



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۷
یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ ریال

پیمان با خون شهدای ۱۷ شهریور برای ادامه نبرد با آمریکا!

امپریالیسم آمریکا همه روزهای ایران را جمعه و همه جمعه‌ها را خونین می‌خواهد.

خون آزاد مردان و آزانسانی که با فریاد «مرگ بر شاه»، «مرگ بر آمریکا» به استقبال گلوله‌های آمریکائی رفته، هنوز بر خاک وطن جاری است. این خون که از دهان زنان و مردان زحمتکش ایران جوشید و با خون همه خلقهای جهان، که دژخیمان آمریکائی بر خاکشان کشیده‌اند، در شط تاریخ می‌ریزد، تا لاشه عقوبتی امپریالیسم را از سر راه انسان به زباله‌دان تاریخ اندازد، اکنون در دوسالگی خویش با فریاد «مرگ بر آمریکا» از میدان شهدا جاری می‌شود، و در مسیر خود، همه خلقهای ایران را به وحدت می‌خواند.

دو سال پیش، در روزی چون امروز، ۱۶ شهریور، راهپیمائی عظیم توده‌ها در تهران، زیر ضربکوب پاهای باین قرار پایان گرفت: «فردا صبح میدان شهدا!» در این راه پیمائی، شعار «مرگ بر شاه»، شعار سبسی طنین خروشان شمار «مرگ بر آمریکا» بگوش می رسید. توده‌ها اعلام می‌داشتند که فریب دولت «آشتی‌مسی» را نخورده‌اند، آنها خواستار سرنگونی شاه بودند. شاه سابق، آنچنانکه در کتاب خویش، پاسخ به تاریخ، اعتراف کرده است، در برابر خشم توده‌ها دست بدامان ازباب شد. از کارت نظر خواست. همان شب اردشیرزاهدی

با مردم مشورت کنید!

مردم را در سر نوشت خودشان دخالت دهید

باید با مردم مشورت کرد و با شرکت مردم و بدست خود مردم مسائل را حل و فصل نمود، بویژه درجائی که مسئله بزندگی روزمره مردم مربوط می‌گردد. مشورت با مردم خواستی است که اصل اسلام انقلابی و مشاوره فی‌الامر، آنرا مطرح کرده است. اصل مشورت با مردم مبنای حاکمیت مردمی، حاکمیت جمعی و نظام شوراهای را تشکیل می‌دهد و بزرگترین سد و مانع را در راه ظهور دیکتاتوری و جدا شدن حکومت از مردم و قرار گرفتن آنان در برابر یکدیگر را بوجود می‌آورد. مشورت با مردم بآلنتیجه تصمیم گیری با شرکت مردم، روشنی و اتحاد و اعتماد می‌آفریند، جلوی سوء تفاهمها و بیگانگی‌ها را می‌گیرد، شور و شوق بوجود می‌آورد و نیروها را بسیج می‌سازد. مشورت با مردم به یافتن درست‌ترین راه حل کمک می‌کند و درحقیقت معجزه می‌آفریند.

مشورت با مردم و درجریان گذاشتن مردم در امور کشورداری بقدری مهم و موثر است که حتی در دشوارترین شرایط سخت‌ترین اوضاع و احوال نیز بهیچ عذر و بهانه‌ای نمی‌توان از آن عدول کرد و این کلید موفقیت را فراموش نمود. بزرگترین جهانی در سخت‌ترین کیرودارها همیشه از مردم مشورت خواسته‌اند.

یکی از جهات برجسته انقلاب بزرگ ایران این بود که به حکومت خودسرانه شاه جبار پان داد حکومتی که مردم زحمتکش و محروم ایران را جز مشتاقان بی‌حقوق ولی موظف و مکلف به اطاعت و با بربرداری چیز دیگری نمی‌شمرد.

انقلاب بزرگ ایران نظامی آفرید که نهادهای انقلابی آن جوشیده از همین مردم کارخانه و مزرعه و مسجد و مدرسه کوچک و بازار است و این نهادها چون از خود مردم جوشیده‌اند، نباید و نمی‌توانند بیوند ذاتی خود را با این مردم قطع کنند.

بقیه در صفحه ۴

از تعطیل دانشگاهها قبل از همه و پیش از واقشار کم درآمد زیان می بینند

صفحه ۷

چه نیروئی مانع تأمین امنیت قضائی است؟

صفحه ۷

درب ابر توطئه و تجاوز رژیم بعثی عراق علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحد شویم

رژیم سفاک بعثی سر به اعتراض و قیام برمی‌دارد و یا به دفاع و پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران مبادرت می‌ورزد. راندن ایرانیان از عراق، ایجاد اختلال هر چه بیشتر در اقتصاد و بازار استان‌های مرزی، خریدن و بفارت بردن فلزات قیمتی از مرزهای ایران، خریدن و بردن احشام و اغنام از زخاک ایران، بدست گرفتن بازارهای مناطق مرزی و سرازیر کردن کالا از عراق به این مناطق، وابسته کردن بازار و زندگی مردم این مناطق به پول و بازار عراق و کوشش برای ایجاد اختلال در صنعت نفت ایران و غیره، همگی نمونه‌هاییست از جنگ فرسایشی که رژیم خونخوار بعثی علیه جمهوری اسلامی ایران بر راه انداخته و هر روز آنرا بیشتر دامن می‌زنند. علاوه بر همه اینها، خاک عراق، با توافق و یاری رژیم صدام حسین، یکی از عمده‌ترین مراکز تجمع شاهپرستان و ساواک‌ها و ضدانقلابیون فراری و توطئه‌گران و کودتاسازان علیه جمهوری اسلامی ایران مبدل شده است. اشرف‌ها، بختیارها، اویسی‌ها، بالزبانها و دیگر جانین و خائنان و قلدران سردمدار شکست انقلاب با میلیاردها دلار ثروتی که از خون دل و عرق جبین مردم محروم ایران بفارت برده

و به بانکهای اروپا و آمریکا انتقال داده‌اند، در خاک عراق پایگاه نظامی تخریباتی تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند و در این عمل جنایتکارانه خود، از توافقیاری و همکاری وسیع رژیم صدام حسین برخوردارند. در واقع، در یک کلمه باید بگوئیم که، عملاً مرز ما با عراق به پر توطئه‌ترین و مخاطره‌انگیزترین بخش از مرزهای دولتی کشور ما مبدل شده است.

انگیزه رژیم بعثی عراق برای یک چنین مناسبات خصمانه و انجام گسختن علیه جمهوری اسلامی ایران چیست؟ حقیقت امر اینست بقیه در صفحه ۴

کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران را متوقف کنید!

در روزهای اخیر کارزاری، بر پایه دروغ و بهتان، علیه حزب توده ایران انجام می‌گیرد که، صرف نظر از اینکه مایه تعجب و تأسف است، بویژه سؤال‌انگیز است.

از «کشف خانه تیمی حزب توده در پوشش موسسه نشر کتاب»، از «پایگاههای حزب توده در لوای انتشارات»، از «کشف اعلامیه‌های حزب توده علیه انقلاب اسلامی ایران» و ... سخن می‌رود، که ضبط نشریات حزب توده ایران و توقیف یکی از هواداران حزب توده ایران را نیز دنبال دارد. این اخبار همزمان و در ارتباط با کشف و ضبط نشریه‌های سازمان پیکار و توقیف‌عهده‌ای از وابستگان آن بجرم فعالیت‌های سیاسی علیه انقلاب منتشر می‌شود.

ما درباره بی‌بایگی این اخبار و اتهامات توضیح داده‌ایم (نامه مردم، شماره ۳۲۴)، ولی چون بدون اعتنا به این توضیحات و بدون توجه به مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - که بر همگان روشن است - این کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران ادامه دارد، به ناچار بار دیگر به توضیح مشخص‌تری در این باره می‌پردازیم، تا معلوم شود عیار این «اخبار» چیست؟ و هدف از انتشار آن کدامست. بقیه در صفحه ۴

حرفهای خبرگزاریهای امپریالیستی را تکرار نکنید!

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: «وضع تبلیغات جهانی علیه ما، روز بروز شدیدتر می‌شود. این رادیوهای بیگانه، این روزنامه‌ها و مجلاتی که در خارج از این کشور منتشر می‌شود، نسبت به اوضاع و احوال ایران، آنچنان نقش موبذیانه‌ای را تعقیب می‌کنند که انسان شگفت‌زده می‌شود. اما من می‌خواهم خواهش کنم، از بعضی از روزنامه‌های خودمان، از بعضی دست‌اندرکاران خودمان، از بعضی از مسئولین و مردم معمولی که آنها دیگر اسیر تبلیغات روزنامه‌های خارجی نباشند، آنها دیگر این حرفها را تکرار نکنند.»

(از خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴ شهریور ۵۹) سرپرست خبرگزاری پارس: «امروزه یک امپریالیسم خبری در دنیا وجود دارد، که علیه انقلاب ما بسیج شده است و به ایجاد شایعه و پخش اخبار دروغ می‌پردازد. این برای تضعیف رهبری و ایجاد جنگ روانی در بین مردم است.»

(جمهوری اسلامی، ۸ شهریور ۵۹) ارگان حزب جمهوری اسلامی: «این واقیعی است که کشورهای امپریالیستی و صهیونیستی، با در اختیار داشتن خبرگزاریهای بزرگ جهان نظیر آسوشیئدپرس، یونایتدپرس، رویتر، خبرگزاری فرانسه و ... تقریباً ۹۰ درصد اخبار جهان از کانالهای خبری آنها گذشته و تعبیر و تفسیر می‌شود.»

(جمهوری اسلامی، ۱۲ شهریور ۵۹) اما آمار می‌گویند که، متأسفانه علیرغم این نظریات صحیح و درست مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران و نیز برخی مسئولین رسانه‌های گروهی آن، هنوز ۹۰ درصد اخبار، تفسیرها و تحلیل‌های رسانه‌های گروهی ایران در کنترل امپریالیسم خبری هستند. چرا برای قطع این وابستگی خطرناک و مهلك، اقدامی جدی بعمل نمی‌آید؟

توسط «اشخاص متفرقه»! دفتر نشریه کارگری «اتحاد» اشغال شد

دفتر نشریه کارگری «اتحاد»، ز ۱۴ شهریور ۵۹ توسط امل مشكوك و اشخاص متفرقه» اشغال شد.

این افراد در ساعات پایانی روز ۱۴ شهریور، که دفتر این نشریه لیل بود، به‌زور وارد آن شدند و دفتر را اشغال کردند. و این ست در زمانی است که همه احکام عالی مربوط به جلب و دستگیری شغال و ... از تاریخ ۱۲ شهریور ۵۹ سوی دادستان کل انقلاب باطل می‌شده است.

اشغال دفتر نشریه کارگری حاده نیز تاکید مجددی بر ترش فعالیت ضد انقلابی منظور نه‌چینی کردتای آمریکائی در ان و لزوم مقابله با آن است. راین اساس، ما برای چندمین - به مسئولین امر هشدار می‌دهیم زیاد گذاشتن اینگونه افراد و جهمی به اعمال غیرقانونی آنها، های جریان ناپایدیری بر انقلاب جمهوری اسلامی ایران وارد می‌آورد. لذا بر مسئولین امر که هر چه زودتر به این وضع ناک با قاطعیت پایان دهند و ترتیب ضربتی بنیادی بر بالیسم آمریکا و وابستگان در ایران وارد آورند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دربو ابر تو طئه...

بقیه از صفحه ۱

که رژیم بعثی عراق در انقلاب ایران یک سرمشق زنده قیام برای رهائی خلقهای کشورهای اسلامی از بند و زنجیر اسارت امپریالیسم و دیکتاتوری می بیند و می ترسد که روح این انقلاب قبل از هر چیز در عراق اسیر و پدیدت امروز رخنه کند و کاخ جباران را بر سر آنها ویران سازد. لذا جمهوری اسلامی ایران و خط قطع و ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، چون خاری در چشم صدام حسین و همه آدمکشان بعثی فرمی رود و آنها را دیوانه و از خود بیخود میسازد. صدام حسین که با محمد رضای خائن در ملاقات الجزیره ماج و بوسه کرده بود و با رژیم ایران محمد رضاشاهی- آمریکائی- ساواکی کنار آمده بود، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران کک به جانش افتاد و در همه مسائل حل شده بین ایران و عراق دبه درآورد و کار را به جانی رسانید که امروز با هزاران مزدور و با تانکها و توپها و هواپیماها و هلیکوپترها در مرزهای ایران بسنگر نشسته و هر روز بر خاک کشور ما، باران آتش و آهن می بارد.

در اینجا باید از چارچوب عراق فراتر بنگریم و ریشه های جهانی سیاست رژیم صدام حسین را بروشنی تشخیص دهیم. باید بدانیم که آنچه از جانب رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران جریان دارد، یکی از حلقه های توطئه عظیم امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانست. رژیمهای مرتجع و دست نشانده برخی از کشورهای اسلامی از قبیل رژیم های سادات و سعودی و ملک حسین و ملک حسن و شیاعالحق و قابوس و شیوخ مرتجع منطقه و ارباب انبیا امپریالیسم آمریکا، عراق و پاکستان و خلیج را مهم ترین سنگرهای جبهه مقدم خود علیه جمهوری اسلامی ایران میدانند و در راین میان ظاهرا عراق از همه آنها فماتر است. درواقع باید رژیم بعثی عراق را بشناختن یک پایگاه ضد جمهوری اسلامی ایران در صف اسرائیل و پایگاه دیپلوکراسیا و ناوگان آمریکا در آبهای خلیج و دریای عرب محسوب داشت، که همه آنها از یک مرکز علیه ایران رهبری میشوند و این مرکز سازمان «سپاه» و «پنتاگون» است.

در چنین وضعی تکلیف ما چیست؟ جمهوری اسلامی ایران باید به چه شیوه ای و با چه وسائلی در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکا و بطور مشخص در مقابل رژیم قلدر بعثی عراق، این دو همسایه بدسرسشت ایستادگی کند؟ گرچه پاسخ به این سؤال اصولا روشن است، ولی لازم میدانیم برخی نکات گرهی مطلب را در اینجا بیان کنیم:

اولا باید در مقابل صف متحد دشمنان خارجی، صف دوستان خارجی خود را بوجود بیاوریم و بطور فعال آنها بحرکت درآوریم. مثلا در حالیکه مصر و عربستان سعودی و عراق و پاکستان و ترکیه و عمان، یعنی رژیمهای دست نشانده مرتجع برخی از کشورهای اسلامی علیه کشور ما یک جبهه متحد بوجود آورده اند، ما نیز باید با رژیمهای مترقی و ضد امپریالیستی دیگر کشورهای اسلامی، از قبیل سوریه و لیبی و الجزایر و یمن دمکراتیک و

جنبش آزادی بخش فلسطین صف متحد و اتحاد فعال خود را بوجود بیاوریم و اتحاد انقلابی این کشورها را در مقابل اتحاد ضد انقلابی دشمنان میهن خود قرار دهیم. نیروهای سادات، که هم اکنون در نوار مرزی عراق علیه ایران سنگر گرفته اند، باید چشم ما را باز کند.

در ایجاد و بسجج صف دوستان خارجی انقلاب ایران، باید از چارچوب کشورهای اسلامی نیز فراتر بنگریم و در قبال امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، دوستان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در سراسر جهان معین کنیم و با تکیه بر صف عظیم دوستان در سراسر جهان، در مقابل دشمنان خود بایستیم. از کلیه سیاستها و پدیده ها و گامهایی که ما را از دوستان واقعی خود در پنج قطعه جهان دور سازد، باید با قاطعیت احتراز کنیم. از طرز تفکراتی که احتمالا ما را به انزوا و انفراد از دوستان واقعی خود بکشاند، باید دوری جست.

ثانیا - در داخل کشور باید صف متحده نیروهای را که از جمهوری اسلامی ایران صمیمانه دفاع میکنند، بوجود آورد و از کارگر و کشاورز و اهل مسجد و مردم دانشگاه و بازاری و روشنفکر و کارمند و مستخدم، در زیر رهبری امام خمینی، یک ارتش عظیم سیاسی و نظامی برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران تشکیل داد. باید میدان فعالیت همه احزاب و گروهها سازمان های سیاسی را، که صمیمانه از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند، باز کرد و موانع غیرقانونی را که بر سر راه مبارزه برتری آنها ایجاد گردیده، برداشت. باید خود را از اندیشه انحصار طلبی بدور نگاه داشت و این واقعیت را یک لحظه فراموش نکرد که، تنها و تنها نیروی خلق است که حلال مشکلات است و دفاع از انقلاب و میهن مستقل و آزاد، وظیفه مقدس و مشترک همه خلق و همه نیروهای است که به این انقلاب و این میهن مستقل و آزاد اعتقاد و ایمان دارند.

ثالثا - در ارتباط با مسئله مشخص، یعنی تجاوز رژیم بعثی عراق، باید بگوئیم که علاوه بر دو وظیفه عمده و اصلی، که در فوق بدانها اشاره شد، و عمده ترین راهها و اسباب مقابله با تجاوز آمریکا و عراق و هر تجاوز دیگری را تشکیل میدهند، مقابله با توطئه های رژیم بعثی عراق خود سنتزیم اجرای تدابیر ویژه دیگری نیز هست. از آنجمله است:

۱- حل عادلانه مسالمت آمیز مسئله کردستان بر مبنای پیام تاریخی امام خمینی برای رفع ستم ملی از خلق کرد و بسود انقلاب ایران. حل مسئله کردستان به قطع جنگ برادرکنشی خواهد انجامید، زمینه عینی توطئه ها را در غرب کشور اصولا از میان خواهد برد، نیروهای صدیق و انقلابی کرد را با همه نیروهای صدیق و انقلابی ایران عملا در یک صف - صف دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - قرار خواهد داد و بدین ترتیب ضد انقلاب را از زمینه و دستاویز موجودیت محروم خواهد کرد.

۲- احتراز از هر عمل نادرستی که عملا به توسعه خرابکارهای رژیم بعثی عراق و ضد انقلاب کمین کرده در عراق کمک میکند. مثلا محاصره اقتصادی برخی مناطق کردنشین، که چند ماه قبل

مدتی جریان داشت، از جمله این اعمال است. این محاصره اقتصادی و در نتیجه کمبود کالا و لذا گرانی در مناطق مذکور، سبب شد که رژیم بعثی عراق سیلی از کلاه های خود را بوسیله ایادی و قاچاقچیان و کارگزاران ضد انقلاب به همین مناطق سرازیر سازد. در نتیجه، نفوذ و رسوخ اقتصادی عراق، پول عراقی، کالای عراقی، ارتباطات رنکارنگ از عراق به ایران توسعه عجیبی یافت و عملا مناطق تحت محاصره اقتصادی تا حدود زیادی از ایران گسست و با عراق ارتباط پیدا کرد. این به زمینه مادی توطئه و تخریبیات رژیم بعثی عراق در کردستان ایران مبدل شد و چه زبانهای بزرگ مادی و معنوی که از این رهگذر عاید کشور ما گردید. قاچاق اغانم و احتشام، خروج ارز و طلا توسط عراق و از اعتبار افتادن پول ایران و غیره جزئی از این زبانهای بزرگ بود.

ثالثا توسعه و تقویت سپاه پاسداران، از همه جهات، تحکیم ارتش، ایجاد هماهنگی انقلابی در داخل همه بخشهای نیروهای مسلح ایران و آمادگی دائمی و همه جانبه برای درهم کوبیدن هر تجاوزگری که خیال دست درازی به خاک میهن ما را در سر بیروراند، وظیفه ایست درجه اول، که هرگز نباید از مد نظر مسئولان مملکتی دور بماند.

باید رهنمودهای امام خمینی را درباره ایجاد ارتش ۲۰ میلیونی با جدیت هرچه تمامتر اجرا کرد. باید کارخانه و مسجد و دانشگاه و مدرسه و مزرعه را به سنگرهای تسخیرناپذیر انقلاب مبدل کرد.

باید آبی غافل بود و تسلیم خوش خیالی و غرور شد. تاریخ قبل از هر چیز زمامداران امور را در برابر مسئولیت عظیمی قرار داده است. اگر بجای حل عمده ترین مسائل انقلاب، که حفظ انقلاب و دراز همه آنها قرار دارد، سرگرم مسائل فرعی و احياناً خصوصی شویم، اگر بجای اتحاد خلق و نیروهای صدیق خلق، در گرداب تفرقه افکنی و نتیجتاً پراکندگی بقیتم، با سرنوشت انقلاب بازی کرده ایم.

حزب توده ایران بر مبنای متسی اصولی و انقلابی و تجارب خود، در همه مسائل نظر مشخص داده و همواره راه خروج از اشکالات را بیان کرده است. اکنون هم که کشور ما با توطئه های عظیم امپریالیسم آمریکا و ایادی آن روبرو است و حلقه توطئه بر اطراف کشور ما هر روز تنگتر میشود، حزب توده ایران نظر خود را درباره مقابله با این توطئه ها و حفظ انقلاب جمهوری اسلامی ایران بیان کرده است. حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که آماده است برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران کلیه امکانات و نیروی خود را در اختیار رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. حزب توده ایران پیشنهاد تشکیل «کنگره تفاهم ملی» را کرده است. امیدواریم مسئولان متعهد و انقلابی و میهن دوست امور ندای قلبی ما را با تمام ابعادش به دقت بشنوند و نظرات و هشدارهای ما را بطور جدی مورد بررسی قرار دهند. تجربه نشان داده است و همگان بر آن اعتراف دارند که، ندای حزب توده ایران از احساس درد خلق و میهن برمیخیزد و هشدارهای آن همیشه پایه واقعی دارد.

بامردم مشورت...

بقیه از صفحه ۱

نظام جمهوری اسلامی ایران در همین پیوند ناگسستگی خود به خلق و تحت رهبری امام خمینی، که خود بارزترین نمونه پیوند با خلق و آزرها و کرامت خلق است، روز بروز تحکیم خواهد یافت، تثبیت خواهد شد، راه رشد خلقی خود را خواهد پیمود و به چنان درخت تنومند و ریشه داری مبدل خواهد گردید، که در سایه آن، مردم رنج دیده و محروم و تحقیر گشته ایران، پس از قرنهای اسارت و سیه روزی، دوران جدید زندگی و در واقع دوران زندگی سر بلند و پرافتخار خود را خواهند پیمود و شخصیت انسانی خود را باز خواهند یافت.

ممکن است دولت و یاسئولی یک تصمیم صد درصد درست هم بگیرد، ولی بعلمت مشورت نکردن بامردم و بویژه در جریان نگذاشتن مردم و توضیح ندادن مطلب برای مردم، این تصمیم صحیح مورد سوء تفاهم و یا احياناً اعتراضاتی واقع شود.

بهین مناسب است که ما مجبور به نوشتن این سطور شدیم تا مقامات مسئول را متوجه سازیم که تنها تصمیم درست کافی نیست، بلکه توضیح آن و بردن منطقی آن بپیان مردم نیز یکی از شرایط مهم موفقیت در اجرای تصمیم است. نمونه برجسته مسئله مورد بحث قرار است که اخیراً در مورد خدمت وسط ۴۴ ساعت کار در هفته بطور یکسان برای کارگران و کارمندان به تصویب هیئت وزیران رسیده است.

تصمیم هیئت دولت در اصل خود تصمیم درستی است؛ اولاً دلیلی ندارد که ساعات کار روزانه کارگر بیشتر از کارمند باشد. ثانیاً اگر کارمندان در تمام مدت ساعات کار، فعالیت نمربخش و خلایق داشته باشند، امکان آن بوجود خواهد آمد که در آتیه از

تعداد پشت میز نشینان کاسته شود و نیروی فعال کشور بیشتر متوجه امور تولیدی و عمرانی گردد. ثالثاً در حالیکه در کشور ما بخش تولیدی و توزیمی و خدماتی دولتی باید، طبق قانون اساسی، هر چه بیشتر توسعه یابد و فعالیت این بخش دولتی مستقیماً با فعالیت ادارات دولتی پیوند ناگسستگی پیدا میکند، خود بخود روشن و مبرهن است که ساعات کار دستگاه دولتی باید با ساعات کار موسسات تولیدی و توزیمی و خدماتی مطابقت داشته باشد. دلایل دیگری نیز بر صحت تصمیم دولت می توان آورد.

ولی این تصمیم درست، در میان قشرهایی از کارمندان موجب نارضایتی گردیده است. بنظر ما این نارضایتی از دو جاسر چشمه میگیرد:

نخست از اینکه دولت بدون مشورت با اقتدار مربوطه و با نمایندگان آنها این تصمیم را گرفته و باصطلاح، دست خود آن اقتدار را وارد کار نکرده است. در نتیجه، این اقتدار تصمیم دولت را بشناختن دامر از بالا و بی اعتنائی و بی توجهی به کارمندان تلقی میکنند، که این اعتراض در این حد بجاست.

دوم اینکه قشرهایی از کارمندان دولت هنوز از تصورات دوران رژیم سرنگون شده درباره دستگاه دولتی و کارمندی دولتی جدا نشده اند. در آن دوران، این مملکت ما مال بی صاحب و خوان یغما بود. شاه و خانواده و اطرافینش و انحصارات امپریالیستی و ایادی ایرانی آنها با تمام قوت و قدرت خود می چاییدند و از این مال غارتی، بعنوان حق السکوت و دلیلی برای اثبات تمدن بزرگ، سهمی هم جلو برخی از طبقات متوسط و اقشار حقوق بگیر کارمند می انداختند و به آنها امتیازاتی از قبیل کوتاهی ساعات کار میدادند. ولی باید درک کرد که ما انقلاب کرده ایم و صاحب مملکت خود شده ایم و دلیلی ندارد که کم کار

رسانه های گروهی بجای صرف کردن نیروی خود به فاسد گویی به نیروهای صدیق انقلابی، بایستی این مطالب را برای مردم شرح دهند و به آنها تفهیم نمایند که نیروی کار شما هم مال مملکت و مردم است و شما آنها از وطن آزاد خود دریغ نکنید و نباید دریغ کنید.

البته روشن است که اکثریت عظیم کارمندان آگاه از تصمیم دولت پشتیبانی می کنند و از روی درک و عقل آنها اجرا می کنند. در ضمن آنها خواسته های درباره حقوق و مسائل بازنشستگی و غیره نیز دارند که باز باید با شرکت خود آنها و بدست خود آنها و با مهر و امضای دولت شکل قانونی بیاید.

امام خمینی با آن شخصیت ممتاز خود، تا حال دهها بار این حرف را به نمایندگان مردم، که به دیدارشان میروند، تکرار کرده اند که «من خدمت گزار شما هستم». باید از رهبر انقلاب آموخت و هرگز فراموش نکرد که دستگاه دولتی و قضائی و قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران همگی خدمت گزار مردم هستند. حتی یک لحظه نباید به پیدایش چنین تصویری امکان داد که گویا اداره کردن کشور فقط و فقط در انحصار ارگانهای سه گانه مملکتی است. باید نیروی لایزال توده های مردم را داخل در اداره کشور کنیم، زیرا فقط توده های مردمند که با سرنوشت میهن و انقلاب پیوند مرگ و زندگی دارند، و هرگز نه خود منحرف خواهند شد و نه به انحراف دیگران امکان و اجازه خواهند داد. فقط از طریق مشورت با مردم و داخل کردن مردم در اداره اقمی مملکت است که این مردم از بیگانگی نسبت به میهن خود و از غریبی در وطن نجات خواهند یافت و هر یک به شهنروندانی مبدل خواهند گردید که بقدر رئیس جمهوری و نخست وزیر خود را مسئول امور خواهند دانست و لذا نظام جدید شکستناپذیر خواهد شد.

اسلامی ایران نیز شده است. به همین دلیل، هرگونه کوششی در جهت محدود ساختن فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران و یا زیر ضربه قرارداد آگاهانه یا نا آگاهانه، خواسته یا ناخواسته اقدامی است در جهت خواست و اهداف شوم امپریالیسم آمریکا، متحدان و وابستگان وی، اقدامی است مستقیماً به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

گذشته از این، اشاعه اتهامات بی اساس و سراپا کذب مذکور و پرونده سازی علیه یک حزب سیاسی، که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت علنی و قانونی دارد، اقدامی است علیه قانون اساسی ایران و بالنتیجه گامی است در جهت پایمال کردن این مهم ترین دستاورد انقلاب ایران.

ما با تکرانی عمیق به این اقدامات خلاف قانون، ضد اخلاق و خلاف مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی می نگریم و مصرانه مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران را به مقابله با محافل که چنین بی پروا قانون را زیر پا می نهند و نیروهای صدیق پشتیبان انقلاب را مورد حمله قرار می دهند فرا می خوانیم. ما مصرانه خواهان آنیم که کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران متوقف گردد.

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه امریکادشمن اصلی خلق های ایران و جهان

ما از پیشنهاد زنان مسلمان پشتیبانی می کنیم

ما از سیاست «نه شرقی، نه غربی» چه چیز می فهمیم

واحد "خواهران حزب جمهوری - اسلامی"، نهضت زنان مسلمان و "انجمن اسلامی معلمان ایران" اخیراً طی بیانیه مشترکی خطاب به ریاست مجلس شورای اسلامی، خواستار آن شده اند که برای رسیدگی به وضع حقوقی زنان، کمیسیونی در مجلس، زیر نظر خانم دست غیبی تشکیل شود، تا حقوق زن در اسلام را مورد بررسی قرار دهد.

(جمهوری اسلامی ۳ شهریور ۵۹)

به نظر ما، این پیشنهادی است مفید و سازاوار توجه، زیرا در مورد حقوق زنان ابهامات فراوان وجود دارد، برخی حقوق زن را در انجام وظایف میهنی او خلاصه می کنند و برخی دیگر ضمن قبول تفکیک و تمیز میان حقوق و وظایف زن در تشخیص و تبیین این حقوق دچار گمراهی - آند و گاهی این وجه و گاه آن وجه از حقوق زن را فراموش می کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در مورد حقوق زنان فاقد صراحت و روشنی لازم است و در کلی ترین چارچوب، تنها اشارات قابل تفسیر و تعبیری دارد که باید در متمم قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس، این حقوق در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی مشخص شود و از ضمانت اجرایی کافی برخوردار باشد.

از آن صلبی ناچیز با زخربد کرده و آن را به خانه ها فرستاده است. نشانه های دیگری وجود دارد که برخی مقامات مسئول نه تنها از اشتغال زنان استقبال نمی کنند، بلکه در این راه ایجاد محدودیت می کنند. برای نمونه مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد، تعطیل کلیه کودکان نهی این استان را اعلام کرده و مربیان مربوطه را برای تدریس در دبستانها، به دوره آموزشی اعزام داشته است. بهانه تعطیل کودکان آنها، فاقد حقوق بودن این کودکان است. آقای مدیرکل آموزش و پرورش خوشحال است که با این اقدام بیست میلیون تومان از بودجه استان صرفه جویی شده است.

(صبح آزادگان - ۹ شهریور ۱۳۵۹)

این اقدام مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد را، که بیم تعمیم آن در سایر استانها می رود، به چه باید تعبیر کرد؟ تجربه همه کشورهایشان می دهد که آموزش قبل از دبستان یکی از عوامل ضروری و شریک در آماده ساختن کودک برای ورود به مرحله تحصیل و فراگیری است، علاوه بر آنکه، شبکه کودکانی که مادران شاغل امکان می دهد تا با فراغت یال به انجام وظایف ناشی از اشتغال بپردازند.

روشن نبودن چارچوب حقوق زنان موجب شده است که مخالفان حقوق زن، از این زمینه ابهام و تردید سوء - استفاده کرده، هم تمامی حقوق زنان را نادیده بگیرند و هم به حریم امنیت خانوادگی و شغلی زن تجاوز کنند. در عرصه حقوق خانواده، همانطور که خانم دست غیبی در مجلس به درستی بیان داشت:

"باید معنی عدالت را در خانواده تعمیم بدیم. حال آنکه عده زیادی از خواهران ما در حال خرد شدن و نابودی هستند... باید به وضع امروز رسیدگی شود و حقوقی را که در اسلام داده شده، به او بازگردانند."

نویسندگان بیانیه مشترک "احیاء حقوق خانواده را در جامعه اسلامی" خواستار شده اند، زیرا حق طلاق انحصاری مرد شیرازه بسیاری از خانواده ها را، فقط به علت بوالهوسی و بی مسئولیتی مردان، از هم گسیخته و زنان را در مانده و مستأصل ساخته است. حقوق اقتصادی زنان، یعنی حق آنان به کار، برابری دستمزد و باز - نشتگی نیز جدا در معرض تزلزل است. بیکاری روز افزون، بسیاری از زنان کارگروکارمند را خانه نشین ساخته، پاکسازی بیانهای برای رکنساری - عدهای از زنان معلم و دبیر و کارمند موه من به انقلاب شده است. استخدام جدید ممنوع است و لایحه قانونی باز - نشتگی زودتر از وقت، پیشینه خدمت بسیاری از دختران و زنان جوان را در

اگر در محتوای برنامه های آموزشی کودکان آنها خلل و کمبودی هست، باید آنرا مرتفع ساخت و نه آن که کودکان آنها را سرسریک استان را تعطیل کرد. این اقدام، این توهم را بر می انگیزد که در ادامه اشتغال زنان باید موانعی ایجاد شود و آنرا تریه سوی خانه ها براند.

هیچ عقل سلیمی منکر اهمیت وظایف مادری زن نیست، که با دیده نیکوترین وجه به سود خاتمه و مصالح جامعه انجام شود. اما یک جامعه بالغ، با سلب حقوق اقتصادی و اجتماعی زن و زنجیر کردن او به گاه سواره، انجام این وظیفه و الا را از او طلب نمی کند، بلکه با ایجاد شبکه خدمات، انجام وظایف مادری زن را تسهیل می کند و میان وظایف خانوادگی و اجتماعی زن، هماهنگی مطلوب برقرار می سازد.

نگرانی زنان مسلمان است که به مجلس شورای اسلامی نامه فرستاده اند و در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شده، ناشی از نادیده گرفتن حقوق زنان است که ما نیز با آنان ابراز همبستگی می کنیم. ما ضمن طرفداری جدی از پیشنهاد تشکیل کمیسیون حقوق زن در مجلس، از دولت جدید می خواهیم که برای رفع نگرانی و تشویش از زنان، قوانین مشخصی را در مورد تضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زنان، برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهند. باشد که زنان در عمل دریا بند که جمهوری اسلامی ایران از من حقوق حقه آنهاست.

همراه خلق متحد و انقلابی و در کنار دلیران جانباز سپاه پاسداران، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سرسختانه دفاع کنیم!

استان پهناور خراسان ضربات قاطع و مرگبار خورده است. این امر با توجه به حساسیت منطقه و وجود زمینه های مساعد برای فعالیت خرابکارانه و نفوذ افکنانه ضد انقلاب، بخصوص در نواحی مرزی و برخی شهرهای استان، نگرانی آور است.

زمنندگان توده ای در همه جای کشور از جمله در خراسان مصمم اند، همراه خلق متحد انقلابی و در کنار دلیران جانباز سپاه پاسداران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سرسختانه دفاع کنند.

امید داریم که مسئولین جمهوری اسلامی ایران در سراسر کشور از هوشیاری و آمادگی کم نظیر روحیه انقلابی مردم حد اکثر بهره راببرند و با تشکیل آنان در جبهه های متحد و معانیت از هرگونه تفرقه و درگیری مانع از خنثی شدن و هرز رفتن نیروها شوند.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خراسان، از جنبه عالی انتظار دارد که امکانات و تسهیلات لازم برای شرکت فعالانه همه اعضا و هواداران خویش در بسیج ملی، در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم شود. ما ایمان داریم که مردم سرکش و مبارز ما سرسختانه و قاطعانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع خواهند کرد و آنرا تا پیروزی نهایی و قطعی به پیش خواهند برد.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خراسان طی نامه ای خطاب به سرپرست سپاه پاسداران خراسان، ضمن اشاره به شرایط حساس کنونی و اعلام آمادگی اعضا و هواداران حزب توده ایران برای شرکت در بسیج ملی، خواستار فراهم آوردن امکانات و تسهیلات لازم برای شرکت فعالانه آنها شد. در قسمتی از این نامه آمده است:

"سرپرست محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در خراسان، در لحظات حساس کنونی توطئه های بزرگ و خطرناک و با ابعاد بی همتا و وسعتی که گذشته علیه انقلاب شکوهمند مردم ایران در حال تدارک است. توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، انگلیس و... با کمک رژیم بعثی عراق، مصر عربستان سعودی، اسرائیل، پاکستان و سایر رژیم های دست نشانده و با همکاری فعال ضد انقلاب در داخل و خارج و زیر رهبری اشرف، بختیار، اویسی، پالیزبان علیه انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی صادر شرف تکوین است. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی شیطان بزرگ امریکای جنایتکار، می خواهد هر قیمتی که شده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در خون غرق کند و برای اینکار همه توان جبهتی اش را به کار انداخته است.

با احترام
حزب توده ایران سازمان ایالتی خراسان
۵۹/۶/۱
در ضمن سازمان حزب توده ایران در شهرستان چنود نیز طی نامه ای به سپاه پاسداران چنود آمادگی خود را جهت شرکت در بسیج ملی اعلام کرد.

چندی پیش گروه جوانان سیمای جمهوری اسلامی برنامه جالبی را اجرا کردند، که از آن برنامه بویژه این جمله در خاطره نقش می بندد. سیمای جمهوری اسلامی گفت:

"بشری تواند هموعان خود را نابود کند، ولی قادر نیست روح انسانها را به بند بکشد." متأسفانه این نوع سخنان درست و انسانی در صداوسیما جمهوری اسلامی هنوز تسلط معنوی خود را کسب نکرده است، برعکس تا بخواهید تبلیغات زهرآگین، علیه سوسیالیسم علمی و کشورهای سوسیالیستی، انجام می گیرد.

این روشهای در خورد نظامهای طاغوتی در جمهوری اسلامی اعمال میشود که آیات قرآنی را رهنمون خود می دانند. همان قرآن که گفته است: "به پندگانی که سخن (ذکر) را می شنوند و از بهترین آنها پیروی می کنند، مژده رستگاری ده!" همان قرآن که گفته است: "بپره خداوند خود از طریق حکمت و اندر زهای نغز دعوت کن و با بهترین شیوه بسا مخالفان مجادله نما."

آری، به گفته برنامه "جوانان"، بشر میتواند به ضرب گلوله و جماق، با حملات وحشیانه به مراکز احزاب و کتابخانه ها، با ضرب و جرح، انسانها را جسد نابود کند، ولی آیا این روش کمترین تأثیری برای نابود کردن روح و فکر وی دارد؟ تنها کسانی تصویری کنند که خشونت و جماق، دروغ و سفیله حلال است که با سقیفند و چیسزی از تاریخ نمی دانند و مغرض و شارلاتانند و اصلاً به چیزی باور ندارند و حسابها و خیالات شخصی دیگری را دنبال می کنند.

موج تاریک تبلیغات علیه سوسیالیسم علمی و کشورهای سوسیالیستی به ابعاد مختلف توجیه می شود. مثلاً می گویند: چون جمهوری اسلامی سیاست "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" را شعار مرکزی خود قرار داده است، لذا گویا یکی از لوازم این کار آنست که، اگر، بقول اسحق فرهمندپور، "دو صد" لحن به امریکا فرستاده شود، بلافاصله باید "پنج صد" لحن تا شوروی گردد، تا تعادل بین شرق و غرب حفظ شود!

انسان غرق حیرت می شود که آخر کشورهای سوسیالیستی که در مورد انقلاب ایران از همان آغاز موضع مساعد گرفتند، و مسلماً اگر اخطار بموقع اتحاد شوروی نبود، دست امریکا برای حفظ رژیم شاه سابق بمزاتب باز نترود امید مردم در مقابله علیه آن به ناچار محدودتر می بود، بهر جهت، این گام بزرگی بود در جهت منافع خلق ما، در جهت انقلاب ما.

پس از انقلاب، به شهادت واقعیات متعدد اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مرتباً از

مواضع ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا دفاع کردند و مداخله در امور داخلی ایران را تقیح نمودند. ولی همه اینها مانع از آن نشده است که هر ساعت ساز تازهای علیه کشورهای سوسیالیستی نواخته شود. هزاران هزار گناه ناکرده و سخن ناگفته به آنها نسبت داده شود.

دیپراول کمیته مرکزی حزب توده ایران در توضیحی که در روزنامه اطلاعات و برنامه "مردم" درج شده، گفت که به نظر حزب توده ایران، معنای شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" عدم شرکت ایران در بلوکهای موجود و تعقیب یک سیاست مستقل است. این تعبیر کاملاً درستی از شعار است. به نظر ما، لازمه سیاست نه شرقی و نه غربی آن نیست که مافحش را بالمناصفه بین عادل و ظالم، بیگناه و مقرر، دوست و دشمن تقسیم کنیم تا مبادا بما بگویند که به یک طرف تمایل داریم. تازه ایکاش بالمناصفه تقسیم میشد، سهم دوست از دشنام و سفیله، تا آنجا که ما می بینیم، از دشمن بیشتر است. همان "دو صد" و "پنج صد" اسحق فرهمندپور است!

حجت الاسلام محمد منتظری با توجه به این واقعیت است، که در جلسه چهارشنبه (۱۲/۶/۵۹) مجلس شورای اسلامی گفت:

"سیاست "نه شرقی، نه غربی" هم طوری شده که بیشتر شوروی را می گویند، یعنی در عمل امریکا کمتر کوبیده می شود.

همین شقوق بر سر حزب توده ایران نیز برآه افتاده است. رادیو، تلویزیون، مطبوعات، معلوم نیست با چه انگیزه ای و موافق دستور چه مقامی، حزبی را که با تمام صداقت و جدیت، از جمهوری اسلامی دفاع کرده و می کند، به باد بدترین دشنامها و اتهامات می گیرند؟ عجیب اینجاست که به این واقعیت توجه ندارند که ما بین این دشنامها و اتهامات با رادیوهای بختیار و اویسی شباهت و هماهنگی برقرار است.

چطور میتوان دشمن دشمن جمهوری اسلامی بود و در عین حال دشمن جمهوری اسلامی بود؟ این معادله سخیف را آقایان چگونه حل می فرمایند؟ بار دیگر تکرار می کنیم: ما با سیاست "نه شرقی و نه غربی"، به معنای راه مستقل یک ایران غیر متعهد موافقیم، ولی با تعبیرات ناسالم از این شعار، که در آخرین تحلیل هدفش مبتذل و مفتضح کردن شعار است، نمی توانیم توافق داشته باشیم، زیرا تعبیرات ناسالم و زینبخت از این شعار در عمل سرز بین دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را مخدوش می کند و این مسلماً به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

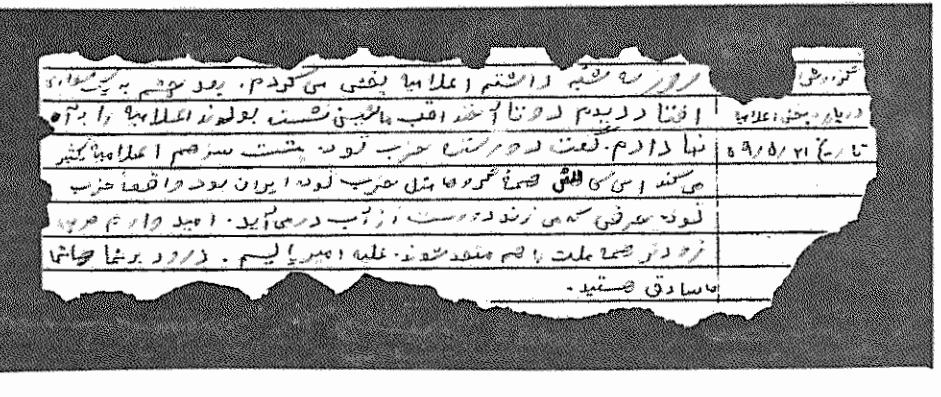
صداقت و اصولیت انقلابی ثمر بخش است

روش اصولی و انقلابی حزب توده ایران، در دفاع از جمهوری اسلامی ایران، در تعمیم انقلاب و رفع مشکلاتی که بر سر راه پیشرفت آن قرار دارد، در متحد ساختن کلیه نیروهای که در ساختن ایرانی مستقل، آزاد، آباد و مرفه دینفند و در شناساندن چهره مکار و خونخوار دشمن اصلی، امریکا، بیش از پیش ثمرات خود را بار می آورد.

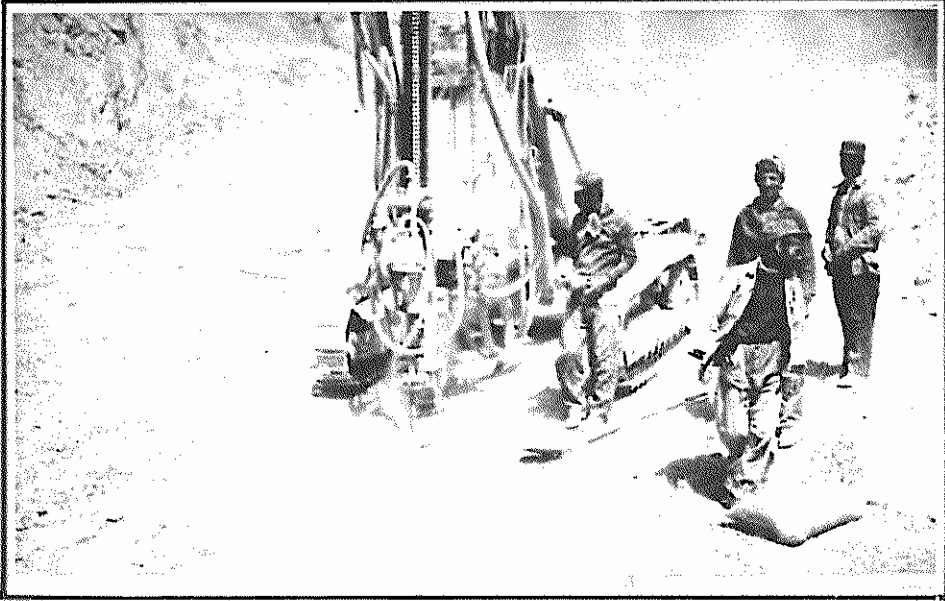
نیروهای صادق به روشنی درمی یابند که باید بین دوستان انقلاب و دشمنان آن، بین مدافعان استقلال ایران و طرفداران وابستگی و نظام طاغوتی، بین هواداران زحمتکشان و جانبداران سرمایه داران و بزرگ مالکان غارتگر، تفاوت گذاشت. مرزها مشخص تر میشود و آن قوای راستین انقلابی، که می بایست در عمل، دوش به دوش و دست در دست هم عمل کنند، تا ستون فقرات دشمن را بشکنند، یکدیگر را می یابند. این افق نوید بخشی است که به میزان زیاد یادآورنده انقلاب و سرنوشت میهن ما وابسته بدانست، زیرا که در اتحاد و اتفاق این نیروهاست که توطئه های امریکا خنثی میشود و میلیونها تن، چون تن واحد، در برابر آن بسیج می شوند و سازندگی ایران مستقل و آزاد به یک جهاد عظیم تمامی خلق بدل میگردد.

هریک از ما در زندگی روزمره خود و در تماس با افراد مختلف، که دارای نظرها و گوناگون هستند، با نمونه هایی از این افق نوید بخش رو برو میشویم و در عمل شاهد ثمرات این روش اصولی و انقلابی، بویژه در پیوند با موضعگیری عناصر مذهبی انقلابی هستیم. نوشته کارگر زحمتکشی که در زیر میخوانید - که در راه شناساندن سیاست حزب خویش اعلامیه بخش

(مقن نوشته کلیشه شده)



زحمتکشان معدن لکان و کرک از هیچگونه امکانات ایمنی برخوردار نیستند



قراردارند، ولی از هیچگونه وسایل ایمنی برخوردار نیستند. گردوخاک حاصل از حفاری مستقیماً بر سینه پرورد کارگران می‌نشیند. صدای مته حفاری آنقدر زیاد است که با اینکه در دوسه قدمی کارگران ایستاده ایم، صدای فریادمان رانمی‌شنوند و فقط وقتی که ما را می‌بینند، بطرفمان می‌آیند. جوانانی هستند در حدود ۲۵ تا ۳۰ ساله که با روی گشاده و مهربان ما را می‌پذیرند.

یکی از زحمتکشان می‌گوید: "حدود ۱۰ سال است که در این معدن کار میکنم و فعلاً روزانه ۲۳۰ ریال میگیرم. دوسالی هست که بیمه شده ام. قبل از پیروزی انقلاب حقوقمان در حدود ۴۰ تومان بود."

کارگر دیگری می‌گوید: "حقوقمان خیلی کم است، ولی برای حفظ انقلاب باید تا میتوانیم کار کنیم، تا تولید بالا برود." با سرپرست معدن لکان به صحبت می‌نشینیم.

می‌گوید: "در روزی که وارد معدن شدیم باغلب ماشینها غیر قابل استفاده بودند. با کمک وای که از دولت دریافت کردیم، توانستیم آنها را به راه بیا نندازیم. از سوی دیگر حقوق چند ماه عقب مانده کارگران را نیز پرداخت کردیم. وی ادا می‌دهد:

"در صورت کمک دولت و سرما به گزاری بیشتر در این منطقه، ما می‌توانستیم از معدن "دره نقره" نیز استفاده کنیم. در معدن "دره نقره" سرب و نقره وجود دارد، و با توجه به گرانتر بودن این دو فلز، گسترش سطح تولید در این معدن به نفع و به صرفه خواهد بود."

وی مدعی بود که در معدن فوق‌تمام مصوبات وزارت کار در باره کارگران مراعات می‌شود.

معدن لکان در ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهر خمین واقع است. تولید روزانه در حدود ۳۰۰ تن سنگ تفلز شده سرب و روی است. در این معدن سنگها تفلز و از طریق بندرانزلی به اتحاد شوروی صادر میشود.

معدن مزبور از سال ۱۳۳۱ مورد بهره برداری قرار گرفته و تا سال ۳۸ کار بهره برداری از آن ادامه داشته است. از آن سال (۳۸) تا سال ۴۶ معدن بلا استفاده بود و از آن پس همواره دایر بوده است.

قبل از پیروزی انقلاب، معدن فوق خصوصی بود و به افرادی نظیر علی رضایی تعلق داشت. ولی بعد از انقلاب، دولت کنترل معدن را بعهده گرفت و فعلاً زیر نظر "سازمان گسترش و نوسازی صنایع اداره می‌شود. شعبه‌ای از معدن لکان، معدن کرک است، که در منطقه قوچان در جنوب اراک قرار دارد.

در این دو معدن روی هم حدود ۵۰ نفر کارگر بکار مشغولند. اکثر آنها کارگران محلی هستند و در معدن کرک در حدود ۲۵ نفر کار می‌کنند، که ۵ نفر از آنها راننده کمبریس بلدوزر و بقیه کارگر ساده‌اند. زحمتکشان این معدن با وجود کار طاقت فرسا و شرایط بسیار نامساعد کار، از حداقل حقوق برخوردارند.

یکی از کارگران این معدن در طی گفتگویی گفت: "با وجودیکه ۱۲ سال است در این معدن کار می‌کنم، الان روزانه فقط ۲۴۰ ریال دستمزد بمن می‌دهند. وی در ادامه صحبت‌هایش گفت:

"از دولت میخواهیم حالاکه به خواست خودمان، یعنی جمهوری اسلامی رسیدیم، کاری نکنند که ظلم و ستم از این برود و زندگی ما تا من شود. از کارگر دیگری می‌زن دستمزدش را می‌پرسم. در جواب گفت:

"من متصدی کمپرسور هوا هستم و روزانه ۸۲۰ ریال می‌گیرم. در میان گودالی که چند نفر کارگر مته حفاری مشغول سوراخ کردن زمین هستند، گردوخاک زیادی در اطراف مته حفاری در هوا پراکنده شده است. کارگران با اینکه در معرض خطرات گوناگون

سیمانکاران و موزائیکسازان جزء در تبریز: «اتحادیه به سلاحی در دست متمولین این صنف تبدیل شده است»

"ماهیانه تا صد کیسه (۵ تن) نیز می‌توانم کار کنم، ولی چون عضو اتحادیه نیستم و از تسهیلات موجود در اتحادیه استفاده نمی‌کنم، مجبورم سیمان را از بازار آزاد به مبلغ سی و پنج تومان بخرم. از این نظر تا شصت کیسه در ماه (۳ تن) بیشتر نمی‌توانم کار کنم."

او در پاسخ به پرسش ما که "چرا عضو نیستید؟" گفت: "سیمانکاران کوچک را به عضویت نمی‌پذیرند. تاکنون چندبار به اتحادیه مراجعه کرده‌ام، ولی آنان از تحویل سیمان به من خودداری کرده‌اند."

موزائیک سازی آیدین، واقع در جاده زنجان (تبریز)، محل دیگری بود که ما به آن سرزدیم. در این کارگاه هشت نفر کار می‌کنند. کارگران بطور کنتراستی دستمزد دریافت می‌کنند. از بیمه و سایر مزایا خبری نیست.

حسن نبی‌زاده، صاحب کارگاه، که به اتفاق سه فرزندش مشغول به کار است، می‌گوید: "در حالیکه مصرف سیمان سیاه کارگاه ما سی و پنج تن است، سهمیه تعیین شده برای ما دوازده تن است و هم اکنون در اثر کمبود سیمان حدود یک‌ماه است که دستگاه پرس ما (موزائیک سازی) کار نمی‌کند"

او اضافه کرد: "در حالیکه شرایط کارگاه ما به طور مثال با کارگاه سهند مشابه است، سهمیه تعیین شده برای آن کارگاه هشتاد و برای ما دوازده تن است."

در مجموع می‌توان گفت که در میان کارگاه‌هایی که ما به آنها سرزدیم، کارگاههای بزرگ از چگونگی کار اتحادیه رضایت بیشتری دارند تا کارگاههای کوچک. طبق اطلاعاتی که ما از این رهگذر بدست آوردیم و اجمالاً در ذیل می‌آید، اتحادیه بر مشکلات موجود افزوده است و با ترکیب فنی آن، عملاً در خدمت ثروتمندان این صنف درآمده است.

این اتحادیه با ترکیب فنی تاکنون مرتکب تخلفات جندی شده است، از جمله: - سهمیه بندی سیمان از طرف اتحادیه، اسلوب و قاعده خاصی ندارد و در اثر اعمال نفوذهای کم و زیاد می‌شود. برای مثال: یک کارگاه با پرس چهار نفره هشتاد تن سهمیه دارد و کارگاه دیگری با همین شرایط دوازده تن،

با این که کمیته سیمان طی نامه‌ای خواستار قطع سهمیه چندتن از سهمیه داران به علت فروش سهمیه آنها در بازار آزاد شده بود، رئیس اتحادیه به ارسال سیمان به این افراد ادامه داده است.

- دریافت غیرقانونی حق عضویت به مبلغ بیست هزار ریال برای بلوک زن، چهل هزار ریال برای سیمانکار و شصت هزار ریال برای پرس کار.

اعضاء اتحادیه خواهان رسیدگی مقامات مسئول (از جمله کمیته امور صنفی امام و مقامات استانداری) به این تخلفات هستند.

در شهر تبریز، هم‌اکنون حدود دویست کارگاه موزائیک سازی و سیمانکاری مشغول فعالیت هستند. کارگاههای کوچک معمولاً با یک تا هشت کارگر کار می‌کنند. سیمان کاران با در اختیار داشتن وسایل ابتدایی تولید، محصولات و مصالح ساختمانی نظیر بلوک، حوض، یله، لوله، سنگ توالیت تولید می‌کنند و موزائیکسازان با داشتن دستگاه پرس به طور عمده موزائیک می‌سازند.

ما به چند کارگاه موزائیک سازی و سیمانکاری سرزدیم و با کارگران به گفتگو نشستیم: کارگاه سیمانکاری صادقی واقع در میدان توپ (تبریز)، که صاحب آن به اتفاق دو فرزندش، با یک کارگر دیگر کار میکنند و محصولات نظیر یله، لوله، حوض، سنگ توالیت و بلوک تهیه می‌کنند.

اکبر یاشاپور بیگانه کارگر این سیمانکاری کنتراستی کار می‌کند. او برای هر بلوک هشت و برای هر لوله بیست ریال دستمزد می‌گیرد. کارگر بلوک زن بطور متوسط در روز می‌تواند صد بلوک تولید و کارگر لوله زن قادر به تولید پنجاه لوله به طور متوسط است.

وقتی از مواد اولیه (سیمان) و کم و کیف آن جویا شدیم، انگار که درست انگشت روی نقطه درد گذاشته‌ایم، زیرا فریادشان بلند شد. علی صادقی، کارگر سیمانکار و فرزند صاحب کارگاه، که تا پنجم ابتدایی بیشتر درس خوانده است، می‌گوید:

"مقدار مصرف ماهانه سیمان سیاه کارگاه ما دوازده تن است، در حالی که اتحادیه برای ما پنج سهمیه در نظر گرفته است. ما هم برای این که بیگار نمائیم، مجبوریم با وجود گرانی سیمان در بازار آزاد، مقداری هم از این بازار سیمان تهیه کنیم.

کیسه پنجاه کیلوگی سیمان سیاه از اتحادیه پانزده تومان و در بازار آزاد بیست و پنج تومان برای ما تمام می‌شود. همچنین سیمان سفید، که قیمت اتحادیه‌ای آن پنجاه و دو تومان است، قیمت آن در بازار آزاد از صدوسی تا دویست تومان در نوسان است."

این کارگران نیز همچون سایر زحمتکشان از گرانی مایحتاج زندگی به تنگ آمده‌اند.

کارگاه سیمانکاری و موزائیک سازی سینا نیز در محله روبروی امامیه قرار دارد. در این کارگاه دو نفر کارگر کار می‌کنند: محمود، که شانزده ساله است و هفتاد تومان مزد می‌گیرد، و نادر، که چهارده سال سابقه کار دارد و صدوسی تومان دستمزد دریافت می‌کند.

آنان بیمه نیستند و از سایر مزایا نیز محرومند. علیرغم مصرف ماهیانه بیست و دو تن سیمان در این کارگاه، سهمیه آنها ده تن است و حدود سه ماه است که این مقدار سهمیه نیز تحویل نشده است.

علی مختاری، کارگر کارگاه موزائیک سازی اتحاد، که کارگاه سیمانکاری کوچکی در جلوی منزل خود، در اواخر خیابان طالقانی تبریز، دایر کرده است، می‌گوید:

"چون دستمزد من کفاف مخارج زندگی‌ام را نمی‌دهد، با هزار مکافات، پس از مراجعت در منزل برای خودم کار می‌کنم."

او اضافه کرد که:

اخبار کارگری

در کارخانه چای گلچین قوانین کار اجرا نمی‌شود

کارخانه چای گلچین، واقع در میدان شوش (تهران) حدود چهل نفر کارگر دارد. در این کارخانه قوانین مربوط به کارگران اجرایی شده. به عنوان نمونه:

۱- کافرمان بجای اینکه از کارگران هشت ساعت کار طلب کند، از آنها میخواهد که هر روز بیش از هشت ساعت به طول می‌انجامد. به این ترتیب کارگران بدست استثمار می‌شوند، چون کارگران موظفاند روزانه هزار بسته (یعنی حدوداً صد کیلو) بیشتر از حد معمول چای تولید کنند.

۲- در این کارخانه چند کودک پائین تر از ۱۶ سال کار می‌کنند. برخی از این کودکان، در حالیکه بیش از سه سال سابقه کار دارند و پایبندی دیگر کارگران کار می‌کنند، از طرف کارفرما هنوز کارآموز محسوب می‌شوند. در نتیجه هیچگونه مزایای قانونی به آنها تعلق نمی‌گیرد.

۳- کارخانه، حق مسکن، حق اولاد و حق خواربار کارگران را تماماً پرداخت نمی‌کند.

۴- سرویس رفت و آمد برای کارگران موجود نیست. یکی از کارگران در این مورد اظهار داشت که: "هر روز صبح مجبورم از جاده ساوه که محل سکونت من است - خود را به میدان شوش برسانم. علاوه بر اینکه جقداری از وقت من صرف آمادورفت میشود، باید مقدار زیادی هم کرایه ماشین بدهم."

یکی دیگر از کارگران می‌گفت: "یکی از کارفرمایان به هیچ یک از مقررات انسانی پایبند نیست، چون کارگران را تنبیه بدنی میکند. کارگران از دولت، بخصوص وزارت کار میخواهند که هر چه زودتر ترتیبی دهند، تا قوانین کار به نحو احسن در کارخانه اجرا شود."

پنجاه سال سن دارم. پنج سال سابقه کار در این کارخانه دارم. امسال استخدام رسمی و بیمه شدم. در موقع رسمی شدن سابقه کار مرا به حساب نیاوردند.

حقوق و مزایا خیلی ناچیز است. روزی شصت تومان دستمزد می‌گیرم و ۱۰ ساعت کار می‌کنم. با این گرانی، مزد کفاف خرج را نمی‌کند. پدر ۹ سر عائله هستم و همیشه هم شرمندم.

اگر بگویند شب هم کار می‌کنم، تا خرج را پیدا کنم و شرمند فرزندانم نباشم. ببینید دستمزد چطور در اثر تماس با قیر شکلش عوض شده است. کارگران این کارخانه پشتیبان انقلاب و امام هستند. کارگران آمادگی خود را برای جانپازی در راه انقلاب و امام اعلام داشتند. آنها می‌گویند:

"حاضریم برای آسمان خیابانهای شهر، شبها هم کار بکنیم."

یکی از کارگران می‌گوید: "اگر آمریکا بخواهد تجاوزی علیه انقلاب ما بکند، با مشت با آنها مقابله خواهیم کرد و حتی هم شکست کارگران روزانه ده ساعت کار می‌کنند. جانی برای استراحت ندارند. کارخانه دور از شهر قرار دارد. کارگران نمی‌توانند برای خوردن ناهار به شهر بروند. آنها خواستار سال غذاخوری هستند."

کارگری که خود را احمد عرفی می‌کند، می‌گوید: "ما به دستکش و دیگر وسایل ایمنی احتیاج داریم. کار کردن با قیر خیلی مشکل است. اگر قطره‌ای قیر داغ روی دست بریزد، تا استخوان می‌سوزاند."

کارگران به علت سختی کار و نبودن وسایل ایمنی شدیداً در معرض خطر قرار دارند.

کارگران کارخانه قیر و قوم با مشکلات فراوانی دست‌بگیر می‌انند

* روزی ۱۰ ساعت کار طاقت‌فرسا با ۶۰ تومان

* همه کارگران این کارخانه پشتیبان انقلاب و امام هستند

* کارگران مجهز به وسایل ایمنی کار نیستند

کارخانه قیر و قوم در اردبیل واقع است. گزارش آسفالت‌پزی است. کارگران از مشکلات زیاد کار و زندگی خود صحبت می‌کنند. یکی از کارگران می‌گوید: "هفته سال دارم و از ده آپتیکو آمده‌ام. سواد ندارم. برای تأمین زندگی خانواده‌ام مجبورم کار بکنم. روزی ۱۰ ساعت کار می‌کنم. دستمزد روزانه ۱۴ پنجاه تومان است، بیمه نیست. باید به مشکل ما رسیدگی بکنند."

کارگران از وضع بیمه شکایت دارند و خواست رسیدگی مسئولین به این مشکل هستند.

کارگر دیگری می‌گوید: "از ده به اینجا آمده‌ام، تا کار بکنم. بیشتر

کارگران از بی‌سروامانی نجات یابند.

دهقانان کم زمین

وبی زمین!

**باتشکیل کمیته‌های خود
وبانکبه به پاسداران متعهد
وافراد دلسوز جهاد سازندگی،
به مسئولان دولتی کمک کنید،
تاقانون اصلاحات ارضی
سر یما و بسود شما اجرا شود**

از روستاهای خراسان

تا محله فقر

«دولت خان»

در تهران

این مسیر سالیهای دراز فقر و آوارگی است، مسیری که در نتیجه بیاداری با آن ده تا استعمار سرزمین داران در شهر، با خون این محرومان زمین و خلق کنندگان نعمات زندگی رنگین شده است.

با صورتی سوخته از آفتاب و کمربندی چنان خمیده، که گویی گوله بار هزاران سال رنج و بیعدالتی بر دوش آوست. با بیلی در دست زمین را میکاود و خاک را با جفا می‌کند، ولی نه در روستای خود در اطراف تربت حیدریه، بلکه در مرکز دروازه‌های "تمدن بزرگ" که نوکران امپریالیسم بها و وعده داده بودند.

"اگر تراکتور به ما می‌دادند، اگر یک حلقه چاه عمیق دولت برایمان میزد، اگر زمین بقدر کافی بما میدادند، الان در دیار رفیقت دور از زن و بچه‌هایم، اسیر این اربابهای شهری نبودم."

این اگرها را روستایی جوانی، با بازوانی پولادین و سینه‌ای ستبر، در حالی که با برگل میکوبید، عنوان میکرد. او که اهل یکی از روستاهای تربت حیدریه است و اکنون اسیر کوره پزخانه‌های تهران است، نمی‌داند از کجا و ریش نگویویا از کارگریش، چون هر دوی آن مملو از درد و رنج و محرومیت بود. می‌گفت:

زمین داریم، ولی در کوهستان است. زمینهای دشت با چاه‌های عمیق و آب فراوانش مال اربابها. با اینحال اگر تراکتور بما میدادند، همین زمین را هم شخم می‌زدیم و می‌توانستیم خرمان را در- بیاوریم.

اکثر قریب به اتفاق کارگران کوره پزخانه‌های "دولت خان" را روستائیان از این تپیل تشکیل می‌دهند. آنها مانده‌ها کارگران کوره پزخانه‌ها از محرومترین و زحمتکشترین کارگران این آب و خاک هستند. در اینجا نیز از بیمه، حق مسکن، سود ویژه، بهداشت و... حقوق دیگر، که کارگران بقیه صنوف طی سالها مبارزه بدست آورده‌اند، خبری نیست. کار در این کوره‌ها با وسایل ابتدایی صورت می‌گیرد، که قدرت و توان فوق العاده‌ای لازم دارد. وقتی از همان روستایی پرسیدیم که چرا امروز (جمعه) را کار نمی‌کنی، گفت:

"کار ما کنتراتی است. باید خاک را آب گرفته و گل بسازیم و بعد خشت درست کنیم. تا حالا برای هر ۱۰۰۰ خشت ۶۰ تا ۷۰ تومان مزد می‌گرفتیم. اما مدتی است که منتظر تعیین نرخ بوسیله کمیته صنعتی هستیم. اگر یک روز کار نکنیم حقوق نداریم. الان هم می‌خواهم برم دکتر، چون فکر می‌کنم که شکم پر خون شده، حالا من هیچ، این کار را (خشت زنی) کارگران با خانوادشان از پیرزن گرفته تا بچه یک وجبی انجام می‌دهند."

در کوره پزخانه‌های دولت خان، که تعدادشان به ۲۵ عدد میرسد، در حدود ۱۰۰ نفر کار می‌کنند. (روی هر کوره ۸۰ الی ۱۴۰ نفر) تعدادی از کوره‌های این منطقه گازسوز شده‌است.

محل سکونت کارگران در اتا قها بیی که مشکل بتوان به آن‌ها تاق گفت، در

مخروبه‌ای به نام روستای کوهگری

گذری به روستا



زمین‌های وسیع روستای کوهگری را به صاحبان واقعی آن یعنی دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین برگردانید

روستای کوهگری خرامه ۴۵ کیلومتری شیراز واقع است. در این روستا ۳۰ خانوار زندگی می‌کنند. ساکنان این روستا از عنایریل با صری هستند. این عده قسمت اعظم دامهای خود را فروخته‌اند و از طریق کشتا و مرارعاش می‌کنند. این روستا از جوی و گلخانه شده است. مقاومت این خانه‌ها در مقابل باد و باران به علت قدیمی بودن بسیار کم است و امکان خراب شدن زیاد. تمام ساکنان روستا های اطراف جاده شیراز - خرامه به افاغاه ساکنان این روستا از نظر راه ارتباطی با مشکلات زیادی مواجه هستند. مسیر رودهای کوچک در چند نقطه با جاده برخورد می‌کند. این رودها اکثرا در تابستان خشک هستند، ولی در زمستان آب در آن‌ها جریان دارد و در نقاط تلاقی آن با جاده، آب در سطح جاده جریان می‌یابد. برای رفع این مشکل، از سال قبل طرح ساختن جاده جدیدی آغاز شده است. کارهای ساختمانی این جاده به کندی انجام می‌شود. اگر کار بر منوال فعلی پیشرفت کند، به این زودیها آماده بهره برداری نمی‌شود. این روستا برق ندارد. این روستا درماتگاه ندارد.

روستائیان بیمه باطی مسافت زیاد دی به شیراز می‌روند و از امکانات این شهر استفاده می‌کنند. این روستا آب لوله‌کشی ندارد. آب آن شور و غیر قابل استفاده است. روستائیان مجبورند هر روز به روستای مجاور، که ۳ کیلومتر با آن فاصله دارد، بروند و از آنجا آب بیاورند. این روستا حمام بهداشتی ندارد. روستائیان در تابستان از آب چشمه برای استحمام استفاده می‌کنند و زمستانها به روستاهای مجاور می‌روند. در این روستا یک دبستان دو کلاسه وجود دارد. در این دبستان تا کلاس پنجم تدریس می‌شود.

اکثر ساکنان این روستا را خرده مالکان تشکیل می‌دهند. مالک بزرگ این منطقه زمینهای زیادی در اطراف این روستا دارد. محصول عمده این روستا گندم و چغندر است. محصول چغندر، بعد از برداشت محصول، به کارخانه قند مرودشت حمل می‌شود، و بعد از سنجش عیار آن، تنی ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان قیمت گذاری می‌شود.

به علت شوری آب روستا، محصول چغندر قند چندان برپا نیست. بعضی از روستائیان بجای چغندر، بنبیه می‌کارند. در این روستا تراکتور وجود ندارد. خرده مالکان ناچارند برای تراکتور مبلغ زیادی بپردازند.

روستائیان از نظر تهیه مواد غذایی در مضیقه قرار دارند. اکثر آن‌ها باید به شهر بروند و کالاهای مورد نیاز را از شهر تهیه کنند. مسئله کوچ به مقیاس وسیع در این روستا مطرح بوده است. اکثر ساکنان این روستا به شهر کوچ کرده و در آن ساکن شده‌اند. علت کوچ روستائیان، نداشتن زمین و فقدان امکانات رفاهی در این روستا است.

اکثر زمینهای این روستا در اختیار مالک بزرگ است. بدین ترتیب در گذشته عده زیادی خوش نشین در این روستا وجود داشت، که زندگی آنها در روستا بسیار سخت بود. آنان نیز ناگزیر روستا را ترک کرده و عازم شهر شده‌اند. کم کم بعد از کوچ اکثر ساکنان، روستا به صورت مخروبه‌ای درآمد. خانه‌های زیادی خالی و خراب شده‌اند، یا در آستانه خراب شدن قرار دارند. با تقسیم زمینهای این مالک بزرگ بین روستائیان کم زمین و بی زمین این منطقه، می‌توان از مهاجرت روستائیان به شهر جلوگیری کرد، و مهاجرین را به زندگی و کار خود برگرداند.

اطراف کوره‌ها و یا در محله دولت خان در ۲۰ کیلومتری جاده ساوه قرار دارد. گاهی اوقات در یک اتاق بسیار کوچک ۶ نفر زندگی می‌کنند.

در کوره‌های "دولت خان" کارگران خراسانی و افغانی اکثریت را تشکیل می‌دهند. کسانی که با زن و بچه‌هایشان به شهر آمده‌اند، به کمک همان خشت می‌زنند و در همان آلونک‌ها زندگی می‌کنند. به آلونک‌ها نزدیک می‌شویم. در گوشه‌ای زمین کوچکی، که چند درخت در آن کاشته شده، بچشم می‌خورد. روی این قطعه زمین سه روستایی خراسانی با چهره‌های سوخته و هیکل‌های ورزیده مشغول کارند. با دیدن آنها به این می‌اندیشم که چه پیوندی ناگسستنی ما بین این روستائیان و زمین وجود دارد که در اینجا نیز کشتا و ورزی را از یاد نبرده‌اند و به قصد کاشتن گوجه فرنگی زمین را بیل می‌زنند؟

با مهمان نوازی خاص خود ما را به نوشیدن استکانی چای دعوت می‌کنند. شاید وقتی که زبیرا به سیداری، در سکوت جای می‌نشینم، این زحمتکشان بیاد روستای خود، که در اطراف فریمان است، افتاده باشند. سکوت را شکسته می‌پرسم: پدر، چرا در اول کردید و آمدید اینجا؟

جواب داد: "این سؤال را از هزاران کشاورز منطقه ما، که به شهرها سرازیر شده‌اند، بکن."

او منتظر نما ندو خود جواب سؤال مرا، که نیک میدانست (و در اصل پاسخ همه کشاورزان بود) داد:

زمین، زمین، زمین!

از زمینداران بزرگ که هر کدام صدها،

اخبار دهقانی

اساس سازندگی در روستاها با مشارکت خود روستائیان پایه گذاری می‌شود

از طرف جهاد سازندگی ورامین، در ماه گذشته یک سمینار دو روزه منطقه‌ای برگزار گردید. در این سمینار مسائل مختلف روستائی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در پایان یک قطع نامه ۱۳ ماده‌ای صادر گردید که برخی از مواد آن به شرح زیر است:

"جهاد سازندگی ورامین پشتیبانی خود را از قطعنامه سمینار مرکزی اعلام داشته و تضعیف نهادهای انقلابی را بهر شکل و از سوی هر گروهی محکوم میکند.

"جهاد سازندگی اساس سازندگی در روستاها را با توجه به رهنمودهای رهبری امکان به بسیج همگانی اقشار مختلف مردم خصوصاً مشارکت خود روستائیان قرار می‌دهد.

"ما پشتیبانی و حمایت همه جانبه خود را از طرح دولتی نمودن بازرگانی خارجی اعلام داشته و اقدامات قاطعانه‌ای را بر علیه محتکران و واسطه‌ها خواهیم.

"ما از مجلس شورای اسلامی خواستار قاطعیت در محاکمه جاسوسان امریکایی و تثبیت قانونی جهاد سازندگی تا عمر آن آبادی و رفع کمبودهای کشاورزان و دامداران عزیز می‌باشیم.

"توجه شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی را به این نکته جلب می‌کنیم که وقفه در رسانیدن بودجه و یا کم کردن آن در جهاد سازندگی باعث دلزدگی جوانان انقلابی پرشوری است که شب و روز در فکر ایجاد شدن عوامل - رفع موانع در جهت تداوم بخشیدن به انقلاب مقدس اسلامی ایران میباشد.

"بعلت رشد و نمو نفوذ اسیسم و نظام بوسیده ارباب و رعیتی، بازگشت سیاه پاسداران به منطقه ورامین نیاز اصلی بوده و با توجه به جمعیت و نیاز منطقه خواستار ایجاد دادگاه انقلاب و بنیاد مسکن می‌باشیم. استقرار سپاه پاسداران این نهاد انقلابی از بین مردم برخاسته و مورد تاکید امام و امت را در منطقه ورامین ضروری می‌دانیم.

"در پی فرمان امام درباره اصلاح و تصفیه ادارات و سازمانهای دولتی، جهاد سازندگی ورامین خواستار تغییر سیستم دست و پاگیر و پاکسازی ادارات بوده و در صورت عدم توجه به فرمان رهبر انقلاب آمادگی خود را جهت قبول وظائف داوطلب دولتی منطقه (بخیراز آموزش و پرورش و بهداشت و بهداشتی) اعلام می‌دارد.

"در رابطه با فرمایشات مکرر آیت الله منتظری در مورد خرید محصولات کشاورزان با قیمت‌های عادلانه‌تر، پشتیبانی خود را از آخرین منطقه اعلام داشته و تلاش شبانه روزی آنان را در جهت کسب استقلال اقتصادی تأیید می‌کنیم و خواستاریم.

ما ضمن پشتیبانی از هیئت ۷ نفره از مسئولین وزارت کشاورزی خواستاریم که امکانات و اختیارات بیشتری به هیئت مذکور بدهند، تا این هیئت بتواند برنامه‌های انقلابی خود را اجرا نماید."

دهقانان می‌نویسند:

از قره تپه به شهر

اینجانبان اهالی قره تپه به شهر، دارای ۲۵ خانوار و ۱۵۰۰ نفر جمعیت، ضمن حمایت از رهبر انقلاب امام خمینی و پادک صحیح خود از انقلاب، که به گفته امام، انقلاب مستضعفان علیه مستکبران است، خواهان حل مسائل زیر می‌باشیم:

"قره تپه فاقد آب آشامیدنی، حمام ناقص، ابزار کشاورزی ناقص و کمبود علوفه دامی، کمبود کسب شیمیایی، فاقد درمانگاه و شرکت تعاونی، که تا این تاریخ حدود ۲ سال از انقلاب شکوهمند ما می‌گذرد، کاملاً طاعونی اداره می‌شود و روند گذشته است که باعث کمال تأسف همه ماست. قره تپه فاقد شورای ده، که شورا یکی از اصول اصلی انقلاب ما بوده و هست.

۴۰ درصد افراد ده بی زمین و کم زمین هستند، با وجود زمینهای آبیگه‌بیش از ۶۰ درصد زراعت ده گندم می‌باشد، که به همین وسیله امرارعاش می‌کنیم. با تمامی این کمبودها و نارسائی‌ها، ما اهالی ده خواستار قیمت عادلانه گندم هستیم، تا با دلگرمی و متشکل شدن نیروی عظیم دهقانان دست امپریالیسم امریکا و وابستگی ما به این جهان نوزاد کوتاه و کوتاه‌تر و بریده شود، تا بعنوان حامیان و پاسداران انقلاب و دستاوردهای آن در برابر امپریالیسم ایستادگی جدی کنیم.

این نامه با امضاء و اثر انگشت دهقانان فخران دهقانان تأیید شده است.

خواست این دهقانان بجا و بحق است باید با در اختیار گذاردن وسائل ضروری تولید، به امر تولید در این روستا کمک کرد. همچنین انتخاب یک مدیریت صحیح و شورائی با شرکت دهقانان، بخصوص دهقانان تپی دست، در راس شرکت تعاونی می‌تواند روابط عادلانه‌ای را در امر کار شرکت ایجاد کند و ضوابط طاغوت زده گذشته را بدور افکند. شورای ده یک ارگان بسیار مهم تصمیم گیری و اجرائی است با اختیارات لازم است، که خود دهقانان در برگیرند آن شریکند و وجود آن، در صورتی که مردمی و مطابق با شرایط انقلاب باشد، بسیار مفید است. باید نهاد های انقلابی کمک کنند، تا هر چه زودتر شورای ده تشکیل شود و جدا شروع به فعالیت کند.

در جهان سوسیالیسم

بلقارها امروزه بیست سال بیشتر از سی سال پیش عمر می کنند

جمهوری توده ای بلقارستان در دهم تیرماه سال گذشته ۴۱۴ و ۸۴۶ هزار جمعیت داشت. در سال گذشته ۱۳۵ هزار بلقاری دیده به جهان گشودند. انتظار می رود که جمعیت بلقارستان در سال ۱۳۶۲ از ۹ میلیون بگذرد. در سال ۱۳۲۵، بلقارستان ۷ میلیون جمعیت داشت و در سال ۱۳۴۱، هشت میلیون و نیم بلقاری تولد یافت. مهم ترین عامل افزایش جمعیت در بلقارستان، از هنگام استقرار نظام سوسیالیستی تا کنون، بالارفتن انتظار عمر به میزان ۲۰ سال است: میانگین انتظار عمر اینک ۷۱ سال است. آنگاه مرگ و میر نوزادان در همین سال ها از ۱۴۴ در هزار در سال ۱۳۲۵ به کمتر از ۲۰ در هزار در سال ۱۳۵۸ کاهش پیدا کرده است.

یکی دیگر از ویژگی های تحسین جمعیت در بلقارستان، در دهه های پیش، افزایش سهم سکنه شهرهاست که مهم ترین علت آن رشد مراکز صنعتی است. در سال ۱۳۲۷، کمتر از یک چهارم سکنه در شهرها زندگی می کردند. این بیکره در سال ۱۳۴۹ به بنجاه درصد و اینک به بیش از ۶۰ درصد رسیده است.

در جهان سرمایه داری

بانکهای امریکائی و «سیا» به نشووناهای ایتالیا کمک مالی می کنند

بمب گذاری اخیر نتوفا شیت های ایتالیا در ایستگاه راه آهن بولونی، که در نتیجه آن نزدیک به ۸۰ نفر مردم بیگناه کشته و در حدود ۲۰۰ تن سخت مجروح شدند، هر چند خونین ترین تبه کاری این باندها بشمار میرود، سابقه ای بس طولانی و فاجعه انگیز دارد. تنها در چهاره نخست سال میلادی جاری، در ۴۳۷ عمل تروریستی در ایتالیا، ۲۷ نفر کشته و ۹۴ تن مجروح گشتند. برخی دیگر از بارزترین این عملیات تروریستی را در زیر می شمیریم:

- * در ۲۱ آذر ۱۳۴۰ در بمب گذاری در بانکی در میلان ۱۶ تن کشته و در حدود ۱۰۰ نفر مجروح شدند.
- * در تابستان ۱۳۴۱ شش تن از شرکت کنندگان متینگی، که به اعتراض علیه خرابکاری های فاشیست ها در جیبودی کالابریا برگزار شده بود، در بمب گذاری در یک قطار رویزه به هلاکت رسیدند.

- * در روز ۷ خرداد ۱۳۴۵ در جریان تظاهرات ضد فاشیستی در دربرسیا بمبی منفجر شد، که به مرگ ۸ نفر و جراحت ۹۷ تن انجامید.
- * در روز ۱۳ مرداد ۱۳۴۵، در قطاری که بین بولونی و فلورانس در حرکت بود، بر اثر انفجار بمب ۱۲ تن کشته و ۴۸ نفر مصدوم شدند.

- * از ۱۱ ایدی ۱۳۵۶ تا ۹ تیر ۱۳۵۷ در ۱۴۸۷ عمل تروریستی نتوفا شیت ها و دیگر نیروهای ارتجاعی ایتالیا ۲۳ تن، از جمله آلدومورو، صدراعظم دمکرات مسیحی، به قتل رسیدند.
- * در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، در جریان حمله یک کماندوی نتوفا شیت به دفتر حزب کمونیست ایتالیا در مرکز رم ۲۳ تن مجروح شدند.

- * از ۱۱ ایدی ۱۳۵۷ تا ۹ آبان ۱۳۵۸، در ایتالیا ۲۹ نفر قربانی عملیات تروریستی شدند.
- * او آخریا شیز سال ۱۳۵۹ در تظاهرات خونت با رنتوفا شیت ها در شهر صنعتی تورین، در شمال ایتالیا، ۱۴ نفر سخت مجروح گردیدند. در شش سال گذشته، عملیات تروریستی در این شهر به هلاکت ۱۳ تن منجر شده است.

در ایتالیا در حدود ۲۵ سازمان و گروهک نتوفا شیتی فعالیت می کنند، که جنبش اجتماعی ایتالیا، "حزب ادامه دهنده راه موسولینی، برهبری امیرانته مهم ترین آنهاست. نتوفا شیت های ایتالیا نه تنها از جانب محافظان ارتجاعی آن کشور، بلکه از سوی بانک های امریکائی و "سیا" نیز تغذیه مالی می شوند.

کارزار تبلیغاتی امپریالیستی علیه زیمبابوه

مطبوعات زیمبابوه، تبلیغات امپریالیستی را علیه این کشور شدیداً محکوم می کنند. روزنامه "صدای خلق زیمبابوه"، در مقاله مشروحی، ضمن بررسی این تبلیغات مغرضانه، راجع به راکه روز-نامه نیویورک تا میز دربار به جنگ داخلی در زیمبابوه نوشته بود، به شدت تکذیب کرد.

صدای خلق زیمبابوه نوشت که نیویورک تا میز و دیگر مطبوعات امپریالیستی به یک مبارزه تبلیغاتی وسیع و تحریف حقایق علیه زیمبابوه دست زده اند، و این در حالی است که روزنامه های امپریالیستی در گذشته حاضر نبودند به جنایات نژادپرستان در زیمبابوه بهیچ وجه اشاره کنند. از سوی دیگر زیمبابوه اعلام کرد که روابط دیپلماتیک خود را با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قطع می کند.

سادات به نوکری امریکا اعتراف می کنند

انور سادات، این خائن بی هتای تاریخ عرب، در گفتگویی با عده ای از استادان دانشگاه در اسکندریه از یکسو با کمال شجاعت (۱) به نوکری امریکا اعتراف کرد و از سوی دیگر برای ایران و افغانستان اشک تمساح ریخت و دست همپالکی خود، خاندان آل سعود، را رو کرد.

سادات در این گفتگو اعلام کرد: "این من هستم که به دنبال امریکا دویدم و به آنها در کشورم پایگاه نظامی دادم. می دانید چرا؟ آخر جز امریکا چه کسی باید از افغانستان دفاع کند، جایی که مردم را قتل عام می کنند؟ چه کسی باید از پاکستان و ایران دفاع کند؟ به من بگوید چه کسی از خلیج فارس (در مقابل تهدید شوروی (۱) دفاع خواهد کرد؟ سادات که چند بار اراجیف

اربابان امریکائی خود را درباره به اصطلاح تهدید شوروی و "اشوبهای داخلی" در منطقه تکرار کرد، در کنگره جنابان اساتید گفت که، تسهیلات نظامی (امریکا در مصر) در خدمت کشورهای عرب و مسلمان خواهد بود (۱) که قربانی "تجاوز" شده اند.

انور سادات، در این کنگره دست همپالکی خود و نوکر دیگر امپریالیسم امریکا، یعنی خاندان آل سعود، را "رو" کرد و گفت که: "عربستان سعودی به طور بسیار محرمانه پایگاه های نظامی در اختیار امریکا قرار داده است."

بدین ترتیب گزارش های ماه های اخیر محافل ترقیخواه، مبنی بر اینکه عربستان به پایگاه نظامی بزرگ امپریالیسم امریکا تبدیل شده، کاملاً تأیید می شود.

انور سادات، در این گفتگو بار دیگر به اتحاد شوروی اشاره کرد و گفت: "فضای روابط دو کشور مصر و شوروی بسیار سرد است و برای آنکه روابط گرم شود، شوروی باید روش خود را نسبت به مصر تغییر دهد" (۱)

(قابل توجه طرفداران "سازش دوا بر قدرت")
دون کیثون دنیای عرب، از سوی دیگر خشم دیوانه وار خود را از تحکیم مبارزات ضد امپریالیستی خلق های عرب نشان داد و گزارشهای مربوط به اتحاد سوریه و لیبی را "کودکانه" خواند و گفت: "دنیای عرب دست یک مشت بچه قرار گرفته است."

از نظر خائنی چون سادات مبارزات ضد امپریالیستی و آزادی خلق های عرب از یوغ امپریالیسم و صهیونیسم، البته بازی کودکانه است.

فاشیسم خطر بزرگی برای مردم ژاپن است

از سوی سازمانهای ترقیخواه، دانشجویان، اتحادیه های کارگری و روشنفکران انقلابی ژاپن، ماه هبستگی با خلق مبارز شیلی برگزار می شود. کمیته همبستگی با مبارزه خلق شیلی قبلاً مبارزه موفقیت آمیزی را در اعتراض سفر پینوشه، جلد خلق شیلی، به ژاپن ترتیب داده بود. امسال این کمیته، ماه هبستگی با خلق شیلی را با همبستگی با مردم ستم دیده کره جنوبی، که زیر یوغ دیکتاتور دست نشانده امریکا بسر می برند، و سیاست های فاشیستی داخلی و خارجی هیئت حاکمه ژاپن ارتباط داده است. این کمیته علیه این سیاست ها در گستره داخلی و خارجی هشدار داده و اعلام کرده است که فاشیسم خطر بزرگی برای مردم ژاپن است.



امریکا از سیاست مستقل هند خشمگین است

محافل اجتماعی هند خشم و نفرت خود را از سیاست امپریالیسم امریکا در مورد اتخاذ تدابیر تجاری تبعیض آمیز علیه این کشور ابراز می دارند.

امپریالیسم امریکا که از سیاست مستقل هند، به ویژه در زمینه محکوم کردن مداخلات بیشتر مانع خارجی در افغانستان و شناسایی دولت قانونی و خلقی کامپوچیا به خشم آمده است، اعلام کرده است که در برابر ورود پاره ای از کالا های هند، از جمله منسوجات و غیره، به امریکا موانعی ایجاد می کند. امپریالیسم امریکا همچنین تحویل سوخت برای نیروگاه هسته ای هند را قطع کرده است.

مطبوعات هند نوشته اند که امپریالیسم امریکا یکبار دیگر چهره کریه خود را نشان داده است و در برابر سیاست مستقل هند از حربه قدیمی و ردیابانه شناختن اقتصاد استفاده می کند. از سوی دیگر امپریالیسم امریکا با همدستی رژیم پکن، به تلاشی وسیع برای ایجاد نا آرامی در مناطق مختلف هند دست زده است. حتی روزنامه های امریکائی، از جمله روزنامه "بالتیمور سان"، تلویحا به این مداخله اعتراف می کند. به نوشته این روزنامه، در جاده کشمیر یک نهضت مقاومت به وجود آمده است. این گروه با رژیم پاکستان روابط نزدیک دارد.

اقدام های اقتصادی تبعیض آمیز امریکا علیه هند یکبار دیگر نشان می دهد که امپریالیسم امریکا با هر کشوری که بخواد سیاست مستقلی را در پیش گیرد، دشمنی آشتی ناپذیر دارد.

مبارزه با یسواد در افغانستان به شدت ادامه دارد

در پی تعطیلات تابستانی، دانش آموزان افغانستان با ردیگر تحصیلات خود را، با میدفراوانی به آتیه، آغاز کردند.

دولت انقلابی افغانستان، با حمایت روزافزون توده ها، همراه با پیروزی های درهم شکننده عوامل - امپریالیسم امریکا و فئودالها و فراری، عزم راسخ دارد که جهل و بیسوادی، این میراث شوم دوران سلطه چپالوگران و غارتگران، را ریشه کن کند.

دکتر آنا هیتا را تب زاد، وزیر آموزش افغانستان اعلام کرد که دولت انقلاب صدها مدرسه جدید برای تحصیل فرزندان و کارگران و دیگر زحمتکشان در سراسر کشور ایجاد می کند و برنامه وسیعی برای آموزش کاردهای ورزیده تهیه شده است.

وزیر آموزش افغانستان یادآور شد که انقلاب افغانستان در این زمینه به ویژه از کمک های کشورهای سوسیالیستی برخوردار است. کشورهای سوسیالیستی وسایل آموزشی، لوازم التحریر و غیره در اختیار دولت انقلابی افغانستان قرار می دهند. از سوی دیگر مبارزه با بیسوادی با شدت ادامه دارد.

سیاست دولت محافظه کار انگلستان، پر ضد زحمتکشان و پسود انحصارات است!

دولت محافظه کار انگلیس، در ادامه سیاست خود در جهت خدمت هر چه بیشتر به انحصارات، برای به اصطلاح صرفه جوئی، اقدامی تصمیم گرفته است که بودجه آموزش کشور را در سال جاری دو بیست میلیون لیره دیگر کاهش دهد.

دولت مارگارت تاچران اقدام را برای مقابله با بحران اقتصادی فزاینده کشور "ضروری" تشخیص داده است. اما در همان حال اعلام شده است که بودجه دفاعی انگلیس به رقم بی سابقه ده - میلیاردها پوند، میلیون لیره رسیده است. انحصارات، اربابان واقعی حزب محافظه کار، با این همه تقاضا دارند که شصت میلیون لیره دیگر بر بودجه نظامی کشور اضافه شود. سیاست شرم آور و ریاکارانه دولت تاچربیش از پیش خشم زحمتکشان انگلیس را بر می انگیزد.

امریکا به نقش خود علیه انقلاب ایران اعتراف می کند

ویلیام ساندروز، مقام برجسته وزارتخانه امریکا، به صراحت اعلام کرد که به خاطر رویدادهای افغانستان و ایران (انقلاب های دو کشور) امریکا مجبور است ژاندارم منطقه باشد. ساندروز با این سخنان نگرانی عمیق امپریالیسم امریکا را از گسترش اثرات انقلاب ایران به منطقه ابراز داشت. ساندروز گفت:

"رویدادهای افغانستان و ایران کشورهای منطقه را در معرض خطر قرار داده است."

البسته بر همه روشن است که منظور از این کشورهای منطقه، همانا رژیم های ضد خلقی و دست نشانده امریکا در منطقه است. رژیم های مانند رژیم قابوس، ملک خالد، صدام، سادات، ضیاء الحق و غیره.

مقام امریکائی تلویحا به نقشی که از جانب امپریالیسم امریکا به خاندان آل سعود، در مورد به عهده گرفتن نقش ژاندارم منطقه محول شده، اشاره کرد و در عین حال نگرانی خود را از گسترش مبارزات نیروهای آزادیخواه عربستان علیه این خاندان سر سپرده ابراز داشت.

ساندروز می گوید: "لازم است عربستان و همسایگان آنرا از یک نیروی دفاعی مناسب برخوردار ساخت." اعترافات ساندروز در مورد هدفهای جنایتکارانه امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران و افغانستان تردید ی باقی نمی گذارد، و سازشکارانی را که تدارکات جنگی امریکا را در منطقه، با زداشت جاسوسان امریکائی، ارتباط می دهند، به خوبی افشا می کند.

همکاری نظامی ژاپن و امریکا گسترش می یابد

دولت ژاپن بیش از پیش به راه سیاست های امپریالیسم امریکا و ناتو بسته می شود.

اگرچه جنگی انگلیسی قرار است وارد بندر بوکووما شوند و همسراه با کشتی های جنگی ژاپن، ما نورهای مشترک انجام دهند. این ما نورها مقدمه همکاری گسترده تر ژاپن با پیمان نظامی ناتو تلقی شده است.

اعتصاب غذای زندانیان فلسطینی ادامه دارد

یک زندانی سیاسی دیگر فلسطینی، که در زندان صهیونیستها در شهر اشکلون دست به اعتصاب غذا زده بود، در گذشت. هفته های اخیر زندانیان سیاسی فلسطینی در زندانهای صهیونیست ها کشته شده اند. چند هفته است اعتصاب غذای عده ای از زندانیان سیاسی فلسطین در زندانهای صهیونیست ها ادامه دارد.

تدارکات نظامی امریکا در خلیج فارس

امپریالیسم امریکا به سرعت برای یک ماجراجویی نظامی خطرناک در خلیج فارس آماده میشود. تمرین های چند هفته ای "نیروهای واکنش سریع" در ایالت آیدا هودر امریکا، در شرایطی شبیه به شرایط خلیج فارس به پایان رسید. هم اکنون بیش از سی ناو جنگی امریکائی با چند هزار تفنگدار دریائی و سیمده فرود هواپیما در نزدیکی آبهای منطقه به سر می برند.

از سوی دیگر امپریالیسم امریکا به سرعت سرگرم تقویت پایگاه تاجروزی خود در دیگوگارسیا است، تا بتواند در صورت لزوم طرفه روزی نفوذ تفنگدار دریائی از این پایگاه در خلیج فارس پیاده کند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

از تعطیل دانشگاهها قبل از همه و پیش از همه فرزندان طبقات و اقشار کم درآمدزبان می بینند

مسئله انقلاب فرهنگی، که اصولاً از نخستین ایام پس از پیروزی انقلاب مطرح بوده، در ماههای اخیر حدت و شدت خاصی کسب کرده، و در ارتباط با آن مسئله تعطیل دانشگاهها مطرح گردیده است.

قبل از اینکه وارد موضوع مورد نظر، یعنی بحث در اطراف اجرای صحیح انقلاب فرهنگی بشویم، لازم میدانیم بار دیگر موافقت خود را با لزوم انقلاب فرهنگی و ضرورت پاکسازی فرهنگ مبین خود از کلیه فسادها و پلیدیهای غربزدگی و وابستگی و طاغوتی، اعلام کنیم. هیچ انقلابی بدون ایجاد انقلاب در فرهنگ جامعه نمی تواند زنده بماند و به پیروزی نهایی برسد. فرهنگ و اصول آموزشی، که از رژیم منفرسابق برای ما باثبات مانده، یک فرهنگ و آموزش طبقاتی است، که به موقع خود برای در بند کشیدن جسم و روح مردم ایران و موجودیت کشور، ایجاد و برزخلی ما تحمیل گردیده است. ما باید این فرهنگ و آموزش فاسد را زیر و زبر سازیم و بر اساس اصول و استقلال آزادی و خدندت به کوخ نشینان و رهایی جامعه از چنگال کاخ نشینان، فرهنگ نو و آموزش نو بوجود بیاوریم.

و اما این تغییر حیاتی و ضروری را چگونه باید انجام داد، تا عملاً بسود ضدانقلاب منجر نشود و از نیت خیر نقض غرض حاصل نگردد؟

درباره همه جوانب مطلب وجود ندارد. همچنین برای توضیح این واضح، که بدون ایجاد تحول بنیادی در زیربنای جامعه، یعنی مناسبات اجتماعی - اقتصادی و سلب اقتدار اقتصادی و سیاسی از سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ و کلیه اقشار و طبقات طاغوتی، بدون ایجاد تحول در مناسبات مالکیت و مناسبات تولیدی، طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و تغییر بنیادی در نسج اجتماعی جامعه ایران، انقلاب فرهنگی واقعی امکان پذیر نخواهد بود، نیازی نمی بینیم.

اما درباره مسئله مورد نظر این مقاله، اجرای صحیح انقلاب فرهنگی و بطور مشخص مسئله تعطیل دانشگاهها، که به یکی از حادترین مسائل جامعه انقلابی ما تبدیل گشته، باید بگوئیم که باید همه عواقب این کار را از حالا بروشنی دید و با علم به ابعاد مسئله تصمیم گرفت و عمل کرد. تعطیل دانشگاهها حداقل یکی - آمدهای زیر را خواهد داشت:

۱- بسیاری از کسانی که امکان مالی دارند، (یعنی طبقات مرفه)، خواهند کوشید فرزندان خود را برای تحصیل به کشورهای خارجی بفرستند و در مقابل، فرزندان کسانی که امکان چنین کاری را ندارند، (یعنی طبقات پائین و پائین تر جامعه) از امکان تحصیل محروم خواهند ماند. یعنی ما در حالیکه برای نجات از فرهنگ فاسد استعماری، تصمیم به اجرای انقلاب فرهنگی گرفته ایم، عملاً

سبب می شویم تا عده بیشتری پس و دختر ایرانی در چنگال مراکز آموزشی غرب و کسانوسهای فرهنگ غرب اسیر شوند، و این نقض غرض است.

چنین وضعی همچنین سبب خواهد شد که بهرگاه دانشجوی، مبالغ هنگفت دیگری از خارجی از صندوق غارت شده کشور ما و بعنوان هزینه تحصیلی به کشور - آمریکا سرازیر شود. هم اکنون در آمریکا قریب ۵۰ هزار دانشجوی ایرانی زندگی میکنند که سالانه برای کشور ما در حدود ۵۰۰ میلیون دلار هزینه ارز خارجی به بار می آورد. با رفتن هر دانشجو به خارج، هر سال در حدود ۱۰ - ۱۵ هزار دلار بار ارزی جدید برای جمهوری اسلامی ایران به وجود می آید. و این در حالی است که ما باید قدر هر دلار ارز خارجی را بدرستی بدانیم.

۲- در صورتیکه تعطیل دانش گاهها پدرازا کشد، عملاً چنین خواهد شد که جوانانی که به کشورهای امپریالیستی رفته و در آنجا تحصیل کرده اند و خواهند کرد، با همان رسوبات فرهنگ فاسد امپریالیستی بایران باز خواهند گشت و امور اقتصادی و فنی و غیره را بدست خواهند گرفت. ولی جوانانی که در داخل کشور از امکان تحصیل محروم مانده اند، بعلمت نداشتن تخصص مصدر امر مهمی نخواهند بود. یعنی عملاً مدت دیگری باز کار درست کسانی خواهد بود که با فرهنگ فاسد امپریالیستی تربیت شده اند.

گفته میشود که پس از تعطیل دانشگاهها، دانشجویان و جوانان برای کار در جهاد سازندگی و بسیج و غیره کسب خواهند شد. البته، این خود تدبیر بتریبی بسیار مهمی است، زیرا که سیل عرق ناشی از تلاش و زحمت بر جبین، عقل و وجدان را صیقل میدهد و گروه های آبله بر دست، رشته مسلک و عقیده را استحکام می بخشد. آشنائی نزدیک یا رنجها و آلام کوخ نشینان خود مکتبی است آموزشی راه زندگی شرافتمندانه، ولی با وجود همه اینها، کسی که از تحصیل و کسب تخصص محروم بماند، نمی تواند در اداره تکنولوژی و اقتصاد بفرخ امروز، آنهم در کشور ما، که با یک اقتصادم ریض و معیوب و رشکست، در جستجوی راه نجات است، موضع کلیدی داشته باشد، هر چند هم متصف به تقوا و دیگر صفات عالیله انسانی باشد.

۳- مسئله مهم دیگر، سوء استفاده های است که ضدانقلاب از این وضع خواهد کرد. ضدانقلاب خواهد کوشید تا تعطیل دانش گاهها را به دست آویزی جهت اخلاخل علیه جمهوری اسلامی ایران مبدل سازد.

با تعطیل دانشگاهها هزاران دانشجو و استاد و ده ها هزار نفر از اولیا و نزدیکان آنها مورد سوء استفاده محرکین و خرابکاران قرار خواهند گرفت، که عواقب آنرا نمی توان پیش بینی کرد. اعزام دانشجویان به جهاد

چه نیروئی مانع تأمین امنیت قضائی است؟

برخی علت عدم وجود امنیت قضائی را نابسامانیهای بعد از انقلاب میدانند. این درست است، اما نابسامانیهای بعد از انقلاب ضرورت ناگزیر نداشت. بویژه درام ان توجیه ناپذیر است. ما میتوانستیم این نابسامانیها را با تکیه بر خصلت خلقتی و مردمی انقلابیان بزرگی از میان برداریم و امنیت قضائی را بر سراسر کشور مستقر سازیم، و اگر تاکنون این مهم انجام نکرده و نقض امنیت قضائی بسطلی رسیده است که بگفته مسئولان امر، نظم جمهوری اسلامی ایران را تهدید میکند، کناه ان را باید در عملکرد کسانی یافت که در این فوزه ماه پس از انقلاب، هر گونه هرج و مرج را به نام مردم، تبرئه و حتی از ان پشتیبانی کرده اند.

در یک جامعه انقلابی خواست مردم باید بصورت قوانین و مقررات انقلابی لازم الرعایه برای همگان در آید و تمام نهادهای انقلابی انرا بدون کم و کاست اجرا کنند. ندادن به گرایشهای آنارشستی گروهیائیکه خود بنام مردم تصمیم میگیرند و امنیت قضائی فرد فرد مردم و سازمانها و گروهها و احزاب سیاسی و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم ایران تضمین شده است. چگونه میتوان اجازه داد که گروهی، بر دلیلی که نمیتوان میکند، قانون اساسی را زیر پا بگذارد و خودسرانه اماکن و سازمانها و حتی ادارات دولتی را اشغال کند؟ این گروهها کیستند که خود را بجای ارگانهای رسمی دولتی میکذارند و وظایف آنها را به عهده میگیرند، خود بر خلاف قانون اساسی کشور، قانون صادر میکنند و خود آن قانون را اجرا میکنند؟

کسانی که مردم را به قانون شکنی و بی امتنائی به قوانین حکومت جمهوری اسلامی تشویق میکنند، با کسانی که در کردستان سلاح در دست گرفته، با حکومت مرکزی می جنگند چه فرقی دارند؟ اینها و آنها هر دو میگویند حکومت مرکزی انقلابی نیست و ما باید خودمان مستقلاً عمل کنیم. کسانیرا که در کردستان برضد حکومت مرکزی میجنگند، ما ضدانقلاب می نامیم. بر کسانیکه خودسرانه وظایف دولت را به عهده میگیرند، چه نامی باید نهاد؟

اصام خصمی، رئیس جمهور، دانشتان گل کشور، رئیس دیوان عالی کشور، وزیر کشور، دانشتان گل انقلاب و سایر مسئولان دولتی، همه نقض امنیت قضائی را محکوم میکنند.

پس چه چیز مانع از آنست که این ناقضان امنیت قضائی را سر جای خود نشاند و به «دولت» آنان در دولت جمهوری اسلامی ایران پایان داد و این بمب خطرناک را، که در قلب جمهوری اسلامی ایران بکار گذارده اند، خنثی کرد؟ کدام جامعه ای میتواند بدون امنیت قضائی سرپا بماند، بخصوص جامعه ای که در برابر توطئه امپریالیسم حیل و خونیخوار و ضدانقلاب پرورده اش قرار گرفته است؟

تأمین امنیت قضائی، امروز بصورت یکی از حادترین مسائل انقلاب ایران در دوران گذار و سازندگی در آمده است. فقدان امنیت قضائی بحق همه را، از امام خمینی گرفته تا مردم کوچک و بزرگ، نگران ساخته است. حقیقتاً جامعه ای که در آن امنیت قضائی وجود نداشته باشد، دوام نخواهد آورد و بی تردید متلاشی خواهد شد.

فقدان امنیت قضائی، یکی از مهمترین عوامل سقوط نظام شاهنشاهی بود. در داخل این نظام استبدادی، نه تنها مردم عادی، بلکه حتی ثروتمندان و صاحبان نفوذ هم امنیت قضائی نداشتند. کافی بود الا حضرتی، والاگری، چشم طمعتش به شرکت سودآوری یا زمین حاصلخیزی بیفتد، تا چرخ تمام قوانین کشور برای تأمین خواست او در عکس جهت حرکت در آید. از امنیت سیاسی، اخلاقی و حیثیتی در آن نظام جهنمی، که مخالفان رژیم را در خیابانها به آتش می بستند، به میهن دوستانی چون روزبه و سیامک تهمت جاسوسی میزدند و روحانیان مبارز را کسرشتی چون اسام خنئی و آیت الله طالقانی را به زندان و تبعید می فرستادند، سخنی نیکوئیم.

رژیم شاهنشاهی خون سلب امنیت قضائی از جامعه نمیتوانست به حیات خود ادامه دهد، زیرا در مردم ریشه ای نداشت و اعمال زور (نه رعایت قانون) یگانه وسیله باقی آن بود. حکومت قانونی (حتی قانونیک همان مجلس فرمایشی وضع میکرد) دست و پا نداشتند. جلیل سلطنت و وابستگان بدربار ننگین پهلوی را در غارت و دزدی می بست. سلب امنیت قضائی، بهترین وسیله این غارت و دزدی بود.

جمهوری اسلامی ایران، با آن سرشت مردمی و پایگاه گسترده اجتماعی خویش، نیازی به محدود کردن امنیت قضائی توده های مردم ندارد. اما می بینیم که در آن، با کمال تأسف، فقدان امنیت قضائی بشدت احساس میشود و فکر همه را نیز بخود مشغول کرده است.

تأمین امنیت قضائی، امروز بصورت یکی از حادترین مسائل انقلاب ایران در دوران گذار و سازندگی در آمده است. فقدان امنیت قضائی بحق همه را، از امام خمینی گرفته تا مردم کوچک و بزرگ، نگران ساخته است. حقیقتاً جامعه ای که در آن امنیت قضائی وجود نداشته باشد، دوام نخواهد آورد و بی تردید متلاشی خواهد شد.

فقدان امنیت قضائی، یکی از مهمترین عوامل سقوط نظام شاهنشاهی بود. در داخل این نظام استبدادی، نه تنها مردم عادی، بلکه حتی ثروتمندان و صاحبان نفوذ هم امنیت قضائی نداشتند. کافی بود الا حضرتی، والاگری، چشم طمعتش به شرکت سودآوری یا زمین حاصلخیزی بیفتد، تا چرخ تمام قوانین کشور برای تأمین خواست او در عکس جهت حرکت در آید. از امنیت سیاسی، اخلاقی و حیثیتی در آن نظام جهنمی، که مخالفان رژیم را در خیابانها به آتش می بستند، به میهن دوستانی چون روزبه و سیامک تهمت جاسوسی میزدند و روحانیان مبارز را کسرشتی چون اسام خنئی و آیت الله طالقانی را به زندان و تبعید می فرستادند، سخنی نیکوئیم.

رژیم شاهنشاهی خون سلب امنیت قضائی از جامعه نمیتوانست به حیات خود ادامه دهد، زیرا در مردم ریشه ای نداشت و اعمال زور (نه رعایت قانون) یگانه وسیله باقی آن بود. حکومت قانونی (حتی قانونیک همان مجلس فرمایشی وضع میکرد) دست و پا نداشتند. جلیل سلطنت و وابستگان بدربار ننگین پهلوی را در غارت و دزدی می بست. سلب امنیت قضائی، بهترین وسیله این غارت و دزدی بود.

جمهوری اسلامی ایران، با آن سرشت مردمی و پایگاه گسترده اجتماعی خویش، نیازی به محدود کردن امنیت قضائی توده های مردم ندارد. اما می بینیم که در آن، با کمال تأسف، فقدان امنیت قضائی بشدت احساس میشود و فکر همه را نیز بخود مشغول کرده است.

دستگیری سه توده ای در بندر دیلم بعلمت کشف نشریات یک سازمان سیاسی دیگر!

سه تن از هواداران حزب توده ایران در بخش بندر دیلم، به اسامی اسماعیل حسینی، علی صدیق و نعمت الله ششمی به جرم «توقف در محل اختفای نشریات یک سازمان سیاسی دیگر» توسط سپاه پاسداران این منطقه دستگیر شدند!

بر اساس اطلاع رسیده، افراد سپاه پاسداران در چند قدمی دو دانش آموز هوادار حزب توده ایران، تعدادی نشریه «کار» از زیر خاک بیرون می آورند، و ظاهراً چون دودانش آموز مزبور از سایر کسانی که از آن نقطه رفت و آمد می کردند، به محل مزبور نزدیک تر بودند (!) یعنی می شوند که این نشریات به دو دانش آموز هوادار حزب توده ایران تعلق دارد. علیرغم تذکر دانش آموزان مبنی بر اینکه آن ها هوادار حزب توده ایران هستند و ارتباطی با نشریات مذکور ندارند، افراد سپاه آن ها را به منظور بردن به سپاه دستگیر می کنند. در این موقع یکی دیگر از هواداران حزب توده ایران، که در محل حضور داشته است، به این عمل اعتراض می کند، که او را نیز دستگیر و روانه زندان می کنند!

به دنبال این ماجرا، مسئولین حزبی در منطقه، به منظور رفع سوء تفاهم و اعلام عدم ارتباط دستگیرشدگان با سازمانی که نشریات بدست آمده متعلق به آن است، به سپاه پاسداران مراجعه کردند. لیکن مسئولین سپاه پاسداران بندر دیلم نه تنها به توضیح آن ها توجه نکردند بلکه با صدور اعلامیه ای در سطح شهر، علاوه بر نسبت دادن تهمت ناروا به حزب توده ایران، کوشیدند تا رقعاتی ما را عناصر مجرم جلوه دهند. ما ضمن اعتراض به این عمل، از داستانی انقلاب پوشش می طلبیم که هر چه سریعتر به این عمل غیرقانونی رسیدگی کند و دستگیرشدگان را آزاد سازد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه مردم، روز دوشنبه ۱۷ شهریور ۵۹، بمناسبت سالگرد جمعه خونین منتشر نمیشود

رادپو، از زبان کیهان، علیه حزب توده ایران؟!

صدای جمهوری اسلامی ایران، که اخیراً نقش فزاینده‌تری در آگاهسازی مردم علیه دشمن اصلی انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا به‌عهده گرفته - که مورد تأیید و تحسین است - متأسفانه باردیگر در برنامه «بررسی مطبوعات» دیرروز خود، از زبان ارکان لیبرالهای ایران، یعنی روزنامه کیهان، حزب توده ایران را بیاد دشنام و افترا گرفت.

صدای جمهوری اسلامی ایران در شرایطی نزدیک به یکساعت از برنامه خود را به قرائت دشنامها و اتهامهای کیهان علیه حزب توده ایران اختصاص داد، که مبارزه مردم انقلابی کشور ما علیه امپریالیسم آمریکا، متحدان و وابستگانش به نقطه‌های حیاتی و تعیین کننده رسیده

است و ضرورت تأمین اتحاد کلیه نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بیشتر از پیش حدت و فوریت یافته است.

در چنین شرایطی حمله به پشتیبان صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، یعنی حزب توده ایران، از زبان کیهان، امری است تاسف‌آور که به مصالح انقلاب ایران زیان میرساند.

ما ضمن تأیید تحولات مثبت اخیر در صدای جمهوری اسلامی ایران در جهت تقویت جنبه ضدامپریالیستی برنامه‌های این ارکان مهم تبلیغاتی، خواهان قطع این گرایش دشمن-شادکن و تفرقه‌انگیز علیه حزب توده ایران هستیم.

اعتراض هواداران حزب توده ایران در مسال و شاندرمن به اعمال نفاق افکنانه

هواداران حزب توده ایران در مسال و شاندرمن، با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن اعتراض به اعمال نفاق افکنانه عوامل آگاه و ناآگاه در این منطقه، خواستار اتحاد مردم و نیروهای انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، شدند.

در این اطلاعیه، که به دنبال پیشی تراکت‌های بی نام و نشان در شهر مینوی مبارزه علیه توده‌های هازیر نقاب «اسلام»، صادر شده، آمده است: «جنبه واحد ضدانقلاب در تمام عرصه‌ها مشغول جولان دادن و خرابکاری و کشتار نیروهای انقلابی است. ضدانقلاب در صدد ایجاد پایگاه و نفاق‌اندازی بوده‌است، و متأسفانه در بعضی از عرصه‌ها موفق هم شده است.

جای تعجب و تاسف است که علیرغم فراخوان تاریخی امام خمینی و هشدارهای مکرر حزب توده ایران، که همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از داشتن اختلافات گوناگون مسلکی،

عقیدتی، مذهبی، باید در جبهه متحد خلق بسیج شوند، تا ضدانقلاب متشکل را نابود سازند، متأسفانه برخی از مسئولان محلی نه تنها به پدیده بسیار خطرناک تفرقه و تفرقه‌افکنی پهنی دهند بلکه آگاهانه یا ناآگاهانه به نفاق و درگیری در درون جبهه متحد خلق کمک میکنند. نمونه بارز این عدم درک مسئولیت، در منطقه مسال و شاندرمن مشاهده میشود.

در شرایط حساس کنونی، که خطری وقوع کودتای آمریکائی وجود دارد، عوامل ناآگاه، در مناطق مسال و شاندرمن با برگزاری سخنرانی در مسجدها و پخش تراکت‌های بی نام و نشان در مورد آموزش و پرورش و دعوت اولیاء دانش آموزان به مسجد مسال، جهت گرفتن امضاء «علیه توده‌یها»، زیر نقاب «اسلام» و «دفاع از جمهوری اسلامی ایران» عمل میکنند.

هدف از ایجاد تشنج و جو رعب و وحشت، کشاندن نیروهای انقلابی، بویژه حزب توده ایران به جنگ طایفه‌ای، و نهایتاً منع فعالیت آزادانه حزب توده ایران در منطقه است.

ما هواداران حزب توده ایران به مقامات مسئول محلی هشدار میدهم، که از هم اکنون باید جلو این جو تشنج را، که بی شک نفع امپریالیسم آمریکا و کودتاچیان است، بگیرند، تا ضدانقلاب نتواند با ایجاد نفاق در صفوف متحد خلق به دستاوردهای انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران برهبری امام خمینی، بی رحمانه یورش آورد و آن را نابود کند.

در پایان اعلامیه آمده است: ما هواداران حزب توده ایران در مسال و شاندرمن، تمام نیروهای راستین انقلابی را به صبر و بردباری دعوت می‌کنیم و خواستاریم که با هشیاری تمام، نه تنها متوجه دام گسترده نیروهای تشنج‌آفرین باشند، بلکه شدیداً از درگیری‌های لفظی و بیهوشی خیابانی، که به این جو کمک میکند، پرهیز کنند، تا بتوانیم با اتحاد همه نیروهای راستین خلق، ضدانقلاب و نیروهای تشنج‌آفرین را افساء و رسوا کنیم. بخصوص آنکه اینک در آستانه برداشت محصول هستیم و شدیداً به هشیاری و آمادگی نیازمندیم، زیرا هرگونه اختلاف باعث رکود در برداشت محصول زرتکشان می‌شود، که نتیجتاً به نفع امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان خواستار اتحاد مردم در مبارزه با امریکا شد

پاسداری توده‌ای از مراکز مهم تولیدی و غیر تولیدی را سازمان دهد

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان، ضمن صدور بیانیه‌ای، با اشاره به گسترش فعالیت وابستگان امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی در این منطقه از مردم خواست تا «برای مقابله با نقشه‌های شیطانی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی متحد شوند».

در این بیانیه ضمن اشاره به «روزگار پر ستم و خونین سلطه خاندان فاسد پهلوی» و شکوه انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی، از جمله آمده است:

«بیاد آورید که ضدانقلاب داخلی و خارجی، به رهبری امپریالیسم آمریکا، برای شکست انقلاب ایران به چه نیرنگها، توطئه‌ها و تبهکاریهای جنایتکارانه متوسل شد و فراموش نکنید که ضدانقلاب درست در مواقعی موفق به پیاده کردن نقشه‌های خود شده است که نفاق و رویا-رویی خصمانه نیروهای داخلی و فادار به انقلاب توسط عوامل ضدانقلاب به اوج خود رسیده است».

در دنباله بیانیه می‌خوانیم: «در این لحظات حساس سر-نوشت ساز، حزب توده ایران، همانطور که در گذشته نشان داده است، چاروش اتحاد و مبارزه هشیارانه مردمی و ضدامپریالیستی و دفاع از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان در این برهه زمانی در وادار تاریخ ایران، همه مقامهای مسئول جمهوری اسلامی ایران در خوزستان را به اهمیت شرایط کنونی توجه می‌دهد و جدا می‌خواهد که بر اساس مشترکات مبتنی بر عالیترین مصالح توده‌های میلیونی زحمت-کشان شهر و روستای کشور، یعنی حفظ دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از تجاوز و دستبرد امپریالیسم و قلع و قمع ضدانقلاب داخلی، توده‌های زحمتکش شهر و روستا را بسیج و مسلح کنند، پاسداری توده‌ای از نقاط و مراکز مهم تولیدی و غیرتولیدی را سازمان دهند و با تکیه بر بسیج همه جانبه توده‌ها، هرگونه توطئه ضدانقلاب را در نطفه خفه کنند و با تلاش برای نوسازی بنیادی اقتصاد، صنعت کشاورزی، فرهنگ، ارتش و بهداشت و از میان بردن مهم‌ترین مشکلات زندگی زحمتکشان و

در راس آنها بیکاری، گرانی، عدم بهداشت و تأمین بودن خدمات درمانی و فرهنگی، پایگاه اجتماعی انقلاب را حفظ و مستحکم کنند و از هر سیاستی که در مدیریت آنها به سبب تصمیم‌گیری‌های پیش از موقع، شتابزده و عاری از رعایت نظرخواهی از نمایندگان زحمتکشان، فقط به تصدید فزاینده‌ها کمک می‌کند و زمینه مساعدی برای تبلیغات سوء ضدانقلاب فراهم می‌سازد، جدا خودداری کنند.

سپاه پاسداران انقلاب، جهاد سازندگی، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مساجد، کارگاهها و مدارس می‌توانند و باید که به نقض و وظیفه انقلابی خود در زمینه بسیج و آموزش نظامی توده‌ها و ایجاد آمادگی رزمی برای درهم کوبیدن کامل هر-گونه تجاوز و توطئه امپریالیسم عمل کنند.

«هیچ نیروی انقلابی و مترقی را نباید از مبارزه برای حفظ جمهوری اسلامی ایران و مقابله با توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیسم و ضدانقلاب باز داشت. نه تنها حالا، بلکه هیچ زمان دیگر ممانعت از فعالیت حزب توده ایران و سایر نیروهای راستین ضد امپریالیست بسود انقلاب ایران نیست و نخواهد بود.

حزب توده ایران با بهره‌گیری از تجربه مبارزه طولانی خود در جنبش کارگری و ضدامپریالیستی ایران و تاریخ جنبش جهانی کارگری و ضدامپریالیستی، عالیترین مصالح و سیمترین توده‌های میلیونی مردم ایران را پاسداری از جمهوری اسلامی ایران از راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست ایران و همبستگی با همه نیروهای ضد امپریالیست جهان می‌داند.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان، علیرغم دشواری‌هایی که بر سر راه فعالیت قانونی و آزاد آن وجود دارد، با همین پیشی علمی، از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سیمبانه حمایت می‌کند و با هرگونه تلاش جنایت‌آمیز پنهان و آشکار امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم بعث عراق و ضدانقلاب داخلی، که برای شکست انقلاب ایران صورت می‌دهند، با همه نیروهای مبارزه می‌کند و برای تیل به این هدف، در راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست در جبهه‌های متحد و مردمی به رهبری امام خمینی از صرف هیچ کوششی فروگذار نمی-کند».

نامه آقای محمود اعتمادزاده (به آذین) صاحب امتیاز و مدیر روزنامه اتحاد مردم، به دادستان کل انقلاب، در اعتراض به اشغال دفتر این روزنامه توسط افراد غیرمسئول، به غیر مسئول

رو نوشت نامه آقای محمود اعتماد زاده «به آذین» صاحب امتیاز و مدیر روزنامه «اتحاد مردم» به دادستان کل انقلاب، در اعتراض به اشغال دفتر این روزنامه توسط افراد غیرمسئول، به نامه «مردم» رسیده است، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد:

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای علی قدوسی دادستان کل انقلاب به اطلاع آن مقام محترم می‌رساند که، صبح امروز پنجشنبه ۱۳۰۹۹۶۱۳، هنگامی که اعضای دفتر روزنامه «اتحاد مردم» - بمیدریت اینجناب محمود اعتمادزاده «به آذین» و سردبیری آقای محمدتقی برومند برای شروع کار هرروزه‌شان به محل این نشریه، واقع در خیابان سزاوار، کوچه جاوید ۲، شماره ۱۸۹، رفتند، آنجا را در اشغال اشخاصی یافتند که مدعی عضویت در حزب الله هستند. این حضرات که متأسفانه سابقه متنوع و مکرری در اینگونه حرکات خودسرانه دارند و ممانعتی هم نمی‌بینند، به آنان حتی اجازه ورود به محل کارشان را هم ندادند. به قراری که شنیده شد، این آقایان شبانه یا شاید نزدیک‌بهای سحر، درحالی که هیچیک از کارکنان روزنامه در محل نبوده‌است، به هرطریقی دزدوار داخل آنجا شده و معلوم نیست چه بلائی برس مختصر آثانه و وسائل کار دفتر، از قبیل میز و سندلی و ماشین تحریر و دوره‌های روزنامه‌ها و غیره آورده‌اند. آنچه به راستی مایه شکفتی است و درجه بی‌بروایی این آقایان را معلوم می‌دارد، آن است که، این عمل هنگامی روی می‌دهد که همه احکام احتمالی مربوط به مصادره و دستگیری اشخاص و اشغال محل و امثال آن، از تاریخ ۱۳۰۹۶۱۲، از سوی آن جناب، حجت‌الاسلام قدوسی دادستان کل انقلاب، باطل اعلام شده است.

اینجناب محمود اعتمادزاده، صاحب امتیاز و مدیر روزنامه «اتحاد مردم»، که پروانه انتشار آن در تاریخ ۱۳۰۵۸۱۱۲۰، به شماره ۸۵۹۸، از سوی وزارت ارشاد ملی صادر گردیده و به ثبت رسیده است، بدین وسیله اعتراض شدید خود را به این عمل هر چه مرجع طلبانه، که همه حقوق مدنی و سراسر قوانین جاری، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را کدمل و بی اعتبار می‌کند، اعلام میدارم و مصرأ از آن مقام محترم خواستارم که با استفاده از قدرت قانونی و انقلابی، که جامعه در اختیار آن جناب گذاشته است، ترقیبی برای رفع مزاحمت این اشخاص بی‌بندوبار و غیرمسئول بدهند و محل روزنامه را در اختیار کارکنان آن بگذارند، به امید اقدام عاجل اینجناب و با تقدیم احترام.

محمود اعتماد زاده

تشنج و درگیری به کسماء، نیز سوایت کرد

دفعه حزب توده ایران شهرستان کسماء - مسال روز ۷ شهریور اشغال شد. اشغال کنندگان تابلوی اعلانات جلودقتر را شکستند، پوسترهای موجود را پاره کردند و مقداری از روزنامه‌ها و نشریات موجود در دفتر را با خود بردند.

این عمل، بدنبال درگیریهای مکرر افراد به اصطلاح «حزب - اللهی» با دیگر سازمانهای سیاسی در شهرستان صومعه‌سرا صورت گرفت. در جریان این درگیریها، که در روز پنجشنبه ۶ شهریور به اوج خود رسید، رفقای ما برای جلوگیری از افزایش تشنج تلاش کردند و تا حدودی نیز موفق شدند.

ولی متأسفانه در این میان یکی از رفقای ما، که توسط چماق و چاقوی آشوبگران بشدت مجروح شده بود، دستگیر شد. وی تا ساعت سه بعدازظهر روز بعد در بازداشت سیاه پاسداران بسر برد و پس از آن همراه با دیگر دستگیر شدگان آزاد شد.

ما ضمن اعتراض شدید به این اشغال غیرقانونی دفتر حزب توده ایران در کسماء، از مسئولین امر می‌خواهیم که با قاطعیت جلواپنگونه اعمال را بگیرند و اجازه ندهند عوامل داخلی ضدانقلاب برای اجرای کودتای آمریکایی در کشور زمینه چینی کنند.

دستگیری ده تن از اعضا و هواداران حزب توده ایران در اراك

ده تن از اعضا و هواداران حزب توده ایران، در شهر صنعتی اراک، بهنگامیکه مشغول نصب پوسترهای «خطر آمریکا جدی است...» بودند، دستگیر شدند و به کمیته انتقال یافتند.

بدنبال حملاتی که به دفتر حزب ما میشود و تضيقاتی که در راه فعالیت قانونی حزب ما فراهم میگردد، توقیف ده تن ایرانی مبارزی که هدفشان چیزی جز متوجه کردن «همه قلمها و تشنگا بسوی امریکا» و نشان دادن دشمن عمده انقلاب ما شیطان بزرگ نبوده است، بحق نگرانی آور و سؤال انگیز است.

بودن دفتر نامه «مردم»، این خبر دیر بدست ما رسید. اقدام بجا و صحیح نهادهای انقلابی در مورد آزاد کردن محمد قلی‌نهای وحدت، موجب خوشحالی است.

رفیق پرویز صادقی آزاد شد

اطلاع یافتیم که رفیق پرویز صادقی مسئول سازمان حزب توده ایران در کرمانشاه که بی دلیل بازداشت شده بود آزاد شده است. ما ضمن تأیید این اقدام خواهان بررسی علل بازداشت بی دلیل این رفیق مبارز و مجازات قانون شکنان هستیم.

محمد قلی پناهی وحدت آزاد شد

بدنبال انتشار خبر دستگیری معلم مبارز نظرآباد هشتگرد، محمد قلی‌نهای وحدت، در شماره مورخ ۴ شهریور ۵۹ نامه «مردم»، اطلاع یافتیم که در اثر برخورد اصولی و منطقی سپاه پاسداران کرج و دادستانی انقلاب ایسن شهرستان، نامبرده آزاد گردیده است، که متأسفانه بعثت در اشغال